

بی سابقه ترین جنگ خیابانی

طی يك سال اخیر در انگلستان

بنا به اظهارات روزنامه TAZ (۹۰/۴/۲) بزرگترین تظاهرات از سال ۱۹۴۵ تا کنون در انگلستان، روز شنبه ۳۱ مارس ۹۰ آغاز شد و با يك جنگ وسیع خیابانی که در مسن اخیر در انگلستان بیسابقه بوده است، به پایان رسید. این تظاهرات وسیع، به دعوت تشکلهای ضد مالیات - رانه جدید Anti-Kopfst. به وقوع پیوسته بود. و این در حالی بود که حزب کارگر انگلستان - بزرگترین اپوزیسیون پارلمانی انگلستان - شب قبل از تظاهرات، خود را از این تشکلهای کنار گرفته بود و علا با دولت محافظه کار تاجر در مقابل این تظاهرات در يك سو ایستاده بود.

این تظاهرات با شرکت ۴۰ هزار نفر از Glasgow آغاز شد و در طی مسیر، انبوه شرکت کنندگان آن به ۱۵۰ هزار تن رسید. زمانی که تظاهر کنندگان به محل دفتر تاجر نخست وزیر انگلستان در خیابان Downing رسیدند، تعداد از تظاهر کنندگان که عده آنها بالغ بر چند صد تن میشد، در آن محل اعدام به يك اعصاب نسنسته نمودند و با این عمل بسیار اخطار و حمله پلیس مواجه شدند. پلیس با خسوت هر چه تمامتر

۱۳

پیش نویس قانون خارجی ها، سند بی حقوقی

پناهندگان و مهاجرین

مقدمه

در چند سال اخیر روند محدود شدن حقوق پناهندگان و مهاجرین در آلمان شتاب بیشتری به خود گرفته است.

هر ساله در صد قبولی پناهندگان کمتر می شود، اقامت مهاجرین و پناهندگان در آلمان با موانع جدیدی رو به رو می گردد، مسافر پناهندگان و مهاجرین کمتر از گذشته می توانیم از حداقل امکانات موجود در جامعه آلمان استفاده کنیم و مشکلات اجتماعی نظیر بیکاری، کمبود مسکن، فقر و غیره بیشتر بر دوش ما سنگینی می کند، کمتر از گذشته امنیت جانی داریم و امکان مورد تهاجم و ضرب و شتم قرار گرفتن توسط دستجات و باند های فاشیست و نژاد پرست به نحو چشمگیری افزایش یافته است. در يك کلام تلاش های گسترده ای صورت گرفته که ما از هر نظریه انسانی درجه چندم و فرو دست جامعه آلمان تبدیل شویم.

نگه گذارایی به رؤس، مهمترین این تلاش ها بیاندازیم: در سال ۱۹۸۳ هلموت کهل صدراعظم آلمان غربی موضع دولتش را در قبال اقامت پناهندگان و مهاجرین آشکارا بیان کرد. وی صریحاً

۲

در این شماره

تظاهرات ضد رژیم در پارک ملت تهران

۲۴

آنتی کمونیسم، خارجی ستیزی و اقتدار دولت،

این است اساس برنامه REP

۱۴

گزارش برگزاری جلسه اطلاعاتی پیرامون قانون خارجی ها

۱۶

مصاحبه با تشکل ها، جریانات و نیروهای مترقی پیشرو (۲)

مصاحبه با اتحادیه (DGB)

۱۱

دعوت به همکاری

کدام آلترناتیو " انقلاب یا رفرم "؟

زن در بارگه اسلام

اخبار ایران ، پناهندگان

و جهان

۱۷

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

پیش نویس قانون خارجی ها، سند بی حقوقی پناهندگان و مهاجرین

گفت که دولت وی خواستار این امر است که تعداد خارجیها تا سال ۱۹۹۰ به نصف کاهش یابد.

پس از اعلام این موضع طرحی از جانب دولت ارائه شد که ترتیب سفر مهاجرین و پناهندگان کسی که تا یک ماه با وکست به میهن شان بودند، را می داد. اما این طرح عملاً با شکست مواجه شد زیرا ده ها ناچیزی از مهاجرین و پناهندگان می توانستند و یا می خواستند آلمان را ترک نموده و د اوطلبانه به میهن شان باز گردند.

در سال ۱۹۸۶ دولت تعرض و سنیختری را به مهاجرین و پناهندگان تدارک دید و بویژه تبلیغات شدیدی بر علیه پناهندگان به راه انداخت. در شرایطی که تعداد پناهندگان در سال ۱۹۸۶ به ۱۰۰ هزار تن یعنی ۰/۶ درصد کل جمعیت آلمان می رسید، رسانه های گروهی آلمان از "اشباع" جامعه از "بیگانگان" سخن گفتند! واضح بود که توطئه کثیفی به منظور تضییق حقوق کسترده تر مهاجرین و پناهندگان در جریان است.

در این دوره شاهد دو روند دیگر نیز بودیم. اولاً همکاری های دولتهای عضو بازار مشترک به منظور تحمیل بی حقوقی بیشتر به پناهندگان و مهاجرین شکل وسیعتر و عمیق تری به خود گرفت (۱) و دولت آلمان نیز از فرصت استفاده نموده در ۲۶ آگوست ۱۹۸۶ با موافقت فراکسیون SPD در مجلس اعلام کرد که قصد دارد حقوق پناهندگی را با حقوقی که در سطح بازار مشترک به رسمیت شناخته می شود "هماهنگ" نماید و این عملاً به معنای پایمال کردن هر چه بیشتر این حقوق بود. و ثانیاً در این سالها شاهد گرایش به راست بخش بزرگی از جامعه آلمان و رشد جریانات و دستجات نئوفاشیست و نژاد پرست بوده ایم.

در عین حال همانطور که در جای دیگری اشاره کرده ایم، در روند گرایش و خط مشی نژاد پرستانه و راست افراطی تنها به دستجات نئوفاشیست و نژاد پرست که نقش نمایندگان رسمی و جریان آیین گرایش را بازی می کنند، خلاصه نمی شود و دامنه آن بسیار فراتر از امکانات تشکیلاتی و سیاسی آیین دستجات می باشد. (۲)

تا آنجا که این سیاست نژاد پرستانه را بویژه در زمینه مسائل مربوط به پناهندگان و مهاجرین می توان به خوبی در موضع گیری ها و سیاستهای دولت آلمان مشاهده کرد به عبارت صحیح تر همان خط مشی و روشی را که احزاب نئوفاشیست از قماش رپوبلیکانها (جمهوری خواهان) در قبال مهاجرین و پناهندگان تبلیغ می کنند، دولت آلمان در عمل موکام به کام پیاده نموده و یا در حال پیاده کردن است.

پیش نویس جدید قانون خارجیها را نیز می بایست در بطن چنین تحولاتی در نظر گرفت. این پیش نویس که در ۱۳ دسامبر ۱۹۸۳ توسط وزیر کشور Schauble ارائه شده و هم اکنون مداخلت تصویب خود در پارلمان را می گذراند و قصد دارند آن را در اوایل مای به تصویب برسانند فقط مطلقاً اینست که هرگز تضییق حقوق مهاجرین و پناهندگان. این پیش نویس در صورت تصویب به همه این بی حقوقی ها و تعرض چند ساله به پناهندگان و مهاجرین جبرین شکل قانونی، رسمیت یافته و عمومی می دهد و از این رهگذر

این بی حقوقی ها را تثبیت و تخکم نموده و زمینه را برای تهاجم همه جانبه تر به ما پناهندگان و مهاجرین کاملاً آماده می کند. نقد و بررسی همه جانبه و تفصیلی پیش نویس قانون خارجیها طبعاً در محدوده مقاله حاضر نمی گنجد.

قصد این مقاله بررسی روح کلی حاکم بر این پیش نویس و تاکید بر برخی از نکاتی است که حاصل نمای آن هستند و در عین حال پایمال شدن حقوق ما را به شکل عریانی منعکس می کنند.

توضیح این نکته نیز ضروری است که در چند ماه اخیر این پیش نویس دستخوش تغییرات و اصلاحاتی شده و استناد مقاله به پیش نویس بر اساس آخرین تغییرات در دسترس صورت گرفته است.

منوعیت فعالیت سیاسی

بخش مهمی از پیش نویس، قانون جدید به محدودیت و منوعیت فعالیت سیاسی مهاجرین و پناهندگان اختصاص دارد.

در این مورد در ماده ۲۷ چنین آمده است:

"فعالیت سیاسی یک فرد خارجی می تواند محدود و یا ممنوع شود هر گاه:

۱- به خواست سیاسی در جمهوری فدرال آلمان یا به همزیستی مسالمت آمیز آلمانیها و خارجیها به نظم و امنیت عمومی یا صالح دیگر جمهوری فدرال آلمان لطمه وارد سازد. و یا زیان رساند.

۲- بتناقض یا صالح سیاست خارجی یا وظایف جمهوری فدرال آلمان نسبت به حقوق ملت ها باشد.

۳- بر خلاف نظم حقوقی جمهوری فدرال آلمان، بویژه از طریق کاربرد قهر، باشد."

آنچه در نظر اول برنقل قول فوق جلب نظر می کند کار برد عبارات مبهم و دو پهلوست. عباراتی که در آینده امکان هر گونه مانور را برای دولت در منوعیت فعالیت سیاسی پناهندگان و مهاجرین فراهم می کنند و دست وی را باز می گذراند.

کیست که نداند دولتهای سرمایه داری تحت پوشش حفظ نظم و امنیت عمومی، دفاع از "حقوق ملت ها"، حمایت از "نظم حقوقی" و چه جنایتها که مرتکب نشده اند و چه حقوقی را پایمال نکرده اند؟!

نکته جالب توجه دیگر عبارت لطمه وارد ساختن به "همزیستی مسالمت آمیز آلمانیها و خارجیها" است. این عبارت چنان کل و گشاد و مبهم انتخاب شده که می توان هر گونه سوءاستفاده ای از آن نمود. به عنوان مثال به سادگی می توان از فعالیت سیاسی تشکل هایی که به افشای دستجات و گروههای نئوفاشیست و نژاد پرست دست می زنند عبا این عبارت به این فعالیت ها به "همزیستی مسالمت آمیز آلمانیها و خارجیها" لطمه می زند و گروههای فاشیست را جری می کند، جلوگیری نمود. از این هم فراتر می توان از اظهار

پیش نویس قانون خارجی ها ، سند بی حقوقی پناهندگان و مهاجرین

نظر و دخالت علی و فعال تشکل های پناهندگسنان و مهاجرین در امور محل زندگی شان جلوگیری نمود زیرا این فعال لیتها بهر حال ممکن است موجب ناراحتی این یا آن دسته ، حزب ، گروه و یا حتی افراد آلمانی شود .

در يك كلام با توسل به این قانون می توان به انحاء گوناگون فعالیت سیاسی خارجیه را در زمینه مسائلی که به سیاست داخلی آلمان مربوط می شود ، مضع کرد .

اما جالب تر از همه بند دوم این ماده می باشد . بندی که طبق آن فعالیت سیاسی خارجیه در صورت لطمه وارد نمودن به سیاست خارجی آلمان غریب مضع یا محدود می گردد . توضیح ضرورت این بند در پیش نویس ، چنین آمده است :

" فعالیت سیاسی آنها (خارجیه) می تواند برای کشور میزان مشکلات سیاسی بزرگی بوجود بیاورد . در صورتی که (این فعالیت سیاسی) بر علیه دولت های دیگر یا حکومت های بیگانه باشد ، ممکن است بدین طریق به روابط خارجی کشور میزان لطمه وارد شود "

روشن است که دولت آلمان زمینه مضعیت فعالیت سیاسی مهاجرین و پناهندگان را مهیا می کند تا بتواند در آینده بدون مزاحمت و یا خیال راحت به کثیف ترین بند و بست ها دست بزند ، از رزمیه های آد مخواری چون جمهوری اسلامی آزاد انتر حمایت کند ، با دولت های جنایتکاری از قماش ترکیه روابط نزد يك تسری برقرار کند و

با این حساب می بینیم که امکان فعالیت سیاسی مهاجرین و پناهندگان در زمینه مسائل مربوط به خارج از مرزهای آلمان نیز به حداقل ممکن کاهش می یابد .

اما در همین ماده محدودیت های دیگری هم در نظر گرفته شده است . (به قول معروف کار از محکم کاری عیب نمی کند !) مثلا " در ادامه می خوانیم .

۱-۱- فعالیت سیاسی يك خارجی مضع است . . . در صورتی که :

۱- به میانی پایه ای صلح آمیز د مکرسی یا به اضیت جمهوری — فدرال آلمان زیان برساند .

۲- از کاربرد قهر به منزله وسیله ای برای پیشبرد صالح سیاسی ، مذهبی ، یا (صالح) دیگر آشکارا حمایت کند ، تا پید نماید و یا به آن تشویق کند .

۳- از انجمن ها ، جنبش های سیاسی یا گروه هایی در داخل یا خارج از کشور حمایت کند ، که در داخل کشور بر علیه اشخاص یا اشیا و در خارج از کشور بر علیه آلمانیها یا موسسات آلمانی بتهاجم

قهرآمیز دست زده اند ، (این تهاجم) را تا پید کرده اند و یا به آن تهدید نموده اند "

در اینجا بویژه ماده ۳ قابل تعمق است . زیرا با توسل به آن می توان به راحتی حمایت از جنبش های مسلحانه و انقلابی ، از جمله جنبش انقلابی کردستان را بهانه ای برای مضعیت فعالیت سیاسی پناهندگان و مهاجرین قرار داد .

بنابراین مبالغه نخواهد بود اگر بگوییم در صورت تصویب این پیش نویس ، عملا می توان از هر گونه فعالیت سیاسی خارجیه جلوگیری کرد .

وضعیت اقامت و اخراج

یکی از ویژگیهای پیش نویس جدید در زمینه اقامت خارجیه این است که در این پیش نویس چندین نوع اقامت وجود دارد . به عنوان مثال از عبارات " حق اقامت " ، " اقامت نامحدود " ، " اقامت محدود " ، " اجازه اقامت " ، " دولت و نشت " ، " اجازه ورود ر آلمان " ، " اجازه اقامت پناهندگی " و می توان نام برد .

استفاده از این مفاهیم به قول انگستر — وکیل مترقی و صاحب نظر در این امور — يك بحران مفاهیم را به وجود آورده که نه خارجیه از آن سردر می آورند و نه حتی اداره های مربوط بر این مفاهیم مسلط اند .

روشن است که این سردرگمی و پیچیدگی قوانین ، زمینه مناسبی برای بی اطلاع ماندن خارجیه و در نتیجه پا یمال شدن بیشتر حقوق شان فراهم می آورد و دامن زدن به این سردرگمی ، بی گمان یکی از هدفهایی است که از طرف طرا حان این پیش نویس دنبال می شود .

بر اساس پیش نویس جدید کسانی که به ۵ سال زندان و یا مجموعا به ۸ سال زندان (در چند نوبت) محکوم شوند ، از آلمان اخراج می گردند . از جمله مواردی که می تواند به اخراج منجر گردد به شرح زیر است :

— زیان وارد ساختن به " اضیت جمهوری فدرال آلمان "

— شرکت در و یا فراخوان و یا تهدید به کاربرد قهر

— فعالیت سیاسی به نحوی که قابل جرمه باشد .

— اگر فعالیت سیاسی کسی مضع یا محدود شده باشد و از آن تخلف کند .

— تخلف از نظم حقوقی

— اگر شخص قبلا در خارج از مرزهای آلمان مرتکب خلاف شده باشد .

با این ترتیب می بینیم که در صورت تصویب این پیش نویس ، دولت میتواند

برای احقاق حقوق پناهندگان و مهاجرین متشکلا مبارزه کنیم !

پیش نویس قانون خارجی ها، سند بی حقوقی

پناهندگان و مهاجرین

با هر بهانه کوچکی به اخراج توده وار ما دست بزنند و نکته قابل توجه اینکه این امر تنها محدود به مهاجرین نیست و پناهندگان نیز ممکن است از آلمان اخراج گردند.

برای اینکه این سیاست نژاد پرستانه و توحش قرن بیستمی تکمیل گردد، بر طبق پاراگراف ۴۶ این قانون می توان خارجیهایی که از بیماری رنج می برند، به این بهانه که به بهداشت جامعه آلمان لطمه می زنند، از آلمان اخراج نمود و یا معتادین به مواد مخدر و بی سر پناهان و حتی کسانی که قادر به تأمین معیشت خود نبوده و برای رفع نیازمندیهای خود به کمک های اجتماعی وابسته اند، از کشور اخراج کرد.

بر طبق این پیش نویس آن دسته از متقاضیان پناهندگی که تقاضای پناهندگی شان از نظر دولت آلمان "آشکارا غیر مستند" تلقی می شود، فوراً از کشور اخراج می گردند.

مانع دیگری که در این پیش نویس بر سر راه متقاضیان پناهندگی گذاشته شده، اینست که از این پس اداره سراسری برای به رسمیت شناختن پناهندگان نه فقط در مورد تقاضای پناهندگی، بلکه در مورد دلایل دیگر برای اقامت در آلمان (دولت وند، کسب اجازه اقامت بر اساس صوبه کنوانسیون ژنو و ۰۰۰۰) - نیز تصمیم گیری می کند. این امر باعث می شود که تصمیم گیری در این موارد جنبه سراسری پیدا کند و در نتیجه امتیازاتی که در حال حاضر در این یا آن ایالت آلمان برای پذیرفتن پناهندگان و مهاجرین وجود دارد، ملغی شود.

بر اساس پیش نویس جدید، امکان اقامت برای متقاضیان دولت و نگ کمتر خواهد شد و به محض اثبات این امر که استرداد این متقاضیان بلا مانع است، آنها را مسترد خواهند کرد.

آری! این تنها نمونه های محدودی بود از مواد و بندهای پیش نویس جدید قانون خارجیهایی. اگر بخواهیم تک تک مواد و بندهای را که حقی از حقوق ما را ضایع می کند، در این قانون بررسی نماییم، بی شک باید حجم این مقاله را دهها برابر کنیم زیرا دامنه بی حقوقی و تحقیر ما پناهندگان و مهاجرین در واقع به سراسر مواد و بندهای این پیش نویس کشیده می شود.

آنچه در اینجا باید بر آن تاکید کرد اینست که هنوز امکان جلوگیری از تصویب این پیش نویس وجود دارد و باید هر چه در توان داریم در جهت جلوگیری از تصویب این قانون به کار بندیم.

در گذشته نیز پیش نویس هایی از این قانون پس از انتقادات شدید در سطح جامعه به تصویب نرسیده است و طراحان آن ناچار به عقب نشینی شده اند. در فوریه ۱۹۸۸ وزارت کشور به ریاست سیمرن پیش نویس قانون خارجیهایی را عرضه کرد. اما این طرح با مقاومت و انتقاد گسترده جریانات و تشکل های متعددی روبه رو شد و این انتقادات چنان گسترده بود که این پیش نویس حتی

در کابینه نیز مطرح نشد. در ۲۹ سپتامبر ۸۹ وزیر کشور طرح جدیدی را با هدف محدود کردن بیشتر حقوق خارجیهایی ارائه کرد ولی این طرح نیز پس از برانگیختن مخالفت ها و انتقادات - جدی در سطح جامعه، به تصویب نرسید و وزارت کشور يك بار دیگر ناگزیر به عقب نشینی شد.

این پیش نویس نیز تا کنون با مخالفت های قابل توجهی در سراسر آلمان رو به روشد می آید. این مخالفت ها در حال گسترش است.

در چند ماه اخیر در بسیاری از شهرها از جمله در شهرهای هامبورگ، کلن، برمن، برلین غربی، Duisburg، فرانکفورت، اشتوتگارت، و مونیخ آکسیون ها و تظاهراتی در مخالفت با پیش نویس جدید قانون خارجیهایی صورت گرفته است. که اخبار برخی از آنها در همین شماره پویش آمده است. در این رابطه در هانوفر نیز دو تظاهرات در روزهای ۲۷ ژانویه و ۱۷ فوریه صورت گرفت که انعکاس نسبتاً وسیعی نیز در چند نشریه آلمانی و ترک زبان داشت. (۳) و قرار است در اوایل مای و هنگام برگزاری نمایشگاه بین المللی نیز تظاهرات دیگری در هانوفر برگزار گردد.

با اینحال این مخالفت ها هنوز به اندازه کافی پر قدرت و - مشکل نیست. هنوز بسیاری از ما از مفاد این قانون اطلاع نداریم و عمق فاجعه را در نیافته ایم. هنوز نتوانسته ایم پشتیبانی بسیاری از کسانی را که از حقوق انسانی دفاع می کنند، جلب نماییم. و هنوز ارتباطات و تماس های ما با تشکل ها و جریانات آلمانی و همچنین تشکل ها و جریانات ملیت های دیگر برای سازمان دادن یک مقاومت گسترده تر در برابر قانونی شدن بی حقوقی هایمان، بسیار نا کافی است.

باید بر تلاش حویش افزود و هر کدام از ما در محیطی که هستیم بحث مربوط به تهییقات و پایمال شدن حقوقمان را در پیش نویس قانون جدید دامن بزنیم و توجه تعداد هر چه بیشتری از مردم را به اهمیت این موضوع جلب کنیم. در غیر این صورت در آینده شرد يك ناگزیر به تحمل بی حقوقی، تحقیر و سرکوب به مراتب شدیدتری خواهیم بود.

پ. ج.
۱۰ / آوریل / ۹۰

یادداشتها

- ۱- در این رابطه رجوع کنید به مقاله "اقدامات گسترده دولت های بازار مشترک برای تضييق حقوق پناهندگان و مهاجرین" - مندرج در پویش شماره ۱.
- ۲- در این رابطه در مقدمه "ارزیابی ادعاهای فاشیست ها بر علیه مهاجرین و پناهندگان" مندرج در پویش ۴ توضیح بیشتری داده شده.
- ۳- گزارشهای مربوط به دو تظاهرات مورخ ۲۷ ژانویه و ۱۷ - فوریه به ترتیب در شماره های ۴ و ۵ پویش آمده است.

کدام آلترناتیو " انقلاب یا رفوم؟ "

یازده سال از بقدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی میگذرد . هر روز که از عرین رژیم سپهری میگذرد ، مردم ما به عینه درمی یابند که با وجود این رژیم نه تنها وضعیتشان از قبل بهتر نمی شود ، بلکه روز بروز بدتر خواهد شد . اگر تا قبل از آتش بس و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مردم فکر میکردند که پراز اتمام جنگ ، در وضعیت اقتصادی ، اجتماعی تغییری حاصل خواهد شد ، ولی این امید امروز به یأس مبدل گردیده ، در این میان وعده های دولت هاسی رفسنجانی هم تغییری در وضعیت بوجود نیاورده است . امروز مردم بخوبی دریافته اند که تغییر کابینه ها و مرک خمینی بپیروی در وضعیتشان پدیدار نخواهد شد . و در یک کلام سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به یک عقیده عمومی تبدیل شده است . زیرا رزمی که نتوانسته امروز برای چند میلیون بیکار ، کار فراهم نماید ، رزمی که حدود ۲ میلیون آواره جنگی دارد و تا هنوز موفق نگردیده بعد از یکسال و اندی از پذیرش آتش بس ، آنها را به خانه خود برگرداند . رزمی که نتوانسته گرانی را مهار کند و بنا به آمار ارائه شده از جانب بانک مرکزی نرخ تورم در سال شصت و هفت ۲۹ درصد بوده است و بودجه امسال میخواهد آنرا به ۲۰ درصد برساند و هزار و یک مشکل دیگر همه از برکات رژیم جمهوری اسلامی است .

اگر شاه جوان خوب به مسائل سیاسی آشنا نباشد ولی آقایان بختیار و امینی و دهها سیاستمدار دیگر که امروز در رناب ولیعهد سینه میزنند و بدون شک بیانیه فوق را تنظیم کرده اند خوب میدانند که هنگامیکه بورژوازی قدرتمندی را تسخیر کند و نظام خود را سازمان دهد برای پیشبرد اهداف خود و طبقه مورد حمایتش احتیاج به قانون دارد و برای حکومت قانون میبایست دیکتاتوری بورژوازی اعمال نماید . ابزار این دیکتاتوری چیزی به جز پلیس - ارتش - ژاندارمری - زندان و شکنجه نمیباشد . حتی در متدن ترین کشورهای بورژوازی هم امروز اطاعت از قانون وظیفه هر شهروندی است که در آن کشور زندگی میکند . بحث بر سر لکه قانون نیست بلکه بحث بر سر این است که کدام طبقه اجتماعی یا نماینده آن طبقه قانون را به رشته تحریرد رمیآورد و اساساً این قانون مدافع کدام طبقه اجتماعی است . از نظر کمونیستها ، قانونی محترم شناخته میشود که در بر سر کیرنده منافع اکثریت استمشان باشد . تنها در یک حاکمیت واقعی پرولتری این قانون منافع اکثریت جامعه را تأمین خواهد کرد نه در یک رژیم بورژوازی ، آنهم از نوع سلطنت . اصل سوم : آزاد یها بویژه آزادی اندیشه ، بیان و نشر عقاید و آراء ، آزادی تشکلات احزاب ، سدیلاها و انجمنها و غیره

امروز سلطنت طلبان هم آزاد یخواه شده اند و به مردم ایران وعده میدهند که در حکومت آینده شان دموکراسی را به ارمغان خواهند آورد . اولاً مردم ما از یاد نبرده اند که در دوران حکومت سلطنتی عزاران نفر بخاطر عقایدشان تیرباران شدند و هزاران نفر در زندانهای رژیم تا انقلاب بهمن بسر میبردند . دوماً تمام نیروهای ارتجاعی برای گسب قدرت از شعار آزادی استفاده کرده اند و پس از بقدرت رسیدن با تمام توان به جنگ دموکراسی و آزادی رفتند و آن را نابود کردند . برای نمونه هنگامی که خمینی در نوفل لوشاتو بسر میبرد ، خیرگزاری فراسه از او سؤال میکند " آیا در حکومت شما کمونیستها آزادند " او جواب میدهد همه نیروها در حکومت جمهوری اسلامی آزادند و میتوانند فعالیت کنند . این کلید رمز تمام مرتجعین است که با شعار آزادی به جنگ آزادی می آیند . تاریخ از یاد نبرده است که ۶ سال بعد از بقدرت رسیدن رضاخان میرنسیج در سال ۱۳۱۰ حزب کمونیست ایران غیر قانونی اعلام گردید ، و فعالی از این حزب تحت تعقیب قرار گرفتند . در سال ۱۳۱۶ گروه ۵۳ نفر دستگیر شدند و در سال ۱۳۱۸ زنده یاد دکتر اراستی در زندان درگذشت . در دوران حکومت شاه دهها نشریه و روزنامه بخاطر داشتن عقایدی غیر از اقرار در سار سلطنتی توفیق شدند و دهها سندیکا و اتحادیه بسته شدند و احزاب سیاسی مخالف رژیم غیر قانونی اعلام گردیدند . اینها همه از برکت حکومت شاهانه بود .

اصل چهارم در رابطه با آزادی زن و مرد چنین میگوید : " ستمی که بر زنان ایران رفته است باید جبران گردد و برابری آنان با مردان در همه زمینه های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی

اما از طرف دیگر مبارزه صیقاتی هر روز تعمیق بیشتری می یابد از اینرو احزاب و سازمانهای سیاسی یخی پس از دیگری آلترناتیو های خود را ارائه میدهند . در دیماه ۱۳۶۸ رضا پهلوی به نمایندگی از ضیف سلطنت طلبان پلاتفرم ۱۴ ماده ای خود را اعلام میدارد و از کلیه نیروهای اهورزیون ایران درخواست همکاری و ایجاد یک جبهه متشکک برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مینماید . حال برخی نکات محوری پلاتفرم را مورد ارزیابی قرار میدهم تا ببینیم پلاتفرم چه سیاستی مشخص را دنبال میکند و کدام جهت گیری سیاسی را اتخاذ خواهد نمود . اصل اول پلاتفرم چنین است : " نظام سیاسی ایران باید بر پایه حاکمیت مردم و حکومت قانون استوار گردد " حکومت قانون برای مردم ماکه در رژیم شاهنشاهی زندگی کرده اند کلمه آشنایی است . همسین حکومت قانون بود که توانست با تکیه بر سر نیزه پلیس و ژاندارم ، ۵۰ سال بر مردم ایران حکمرانی کند و مردم ما با انقلاب قهرآمیز و بزرگ توده ای بهمن ۱۳۵۷ پاسخ آنرا داده اند از " شاه جوان " و دایره بسته سلطنت طلبان باید پرسید ، کجای دنیا و در کدامیک از حکومت های بورژوازی حتی " دموکرات ترین بورژوازا " مردم توانستند حاکمیت خود را اعمال کنند . حاکمیت مردم با دستگاه سلطنتی تناقض دارد . حاکمیت مردم از نقطه نظر کمونیستها یعنی شوراهای کارگران و زحمتکشان و در یک کلام ، حاکمیت سوراها . تنها در یک حکومت سوراخی مردم میتوانند نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند و حاکمیت خود را اعمال دارند . در صورتیکه بورژوازی با حکومت سوراها سر جنگ دارد .

اصل دوم : " برابری همه مردم در برابر حاکمیت قانون و نفی تبعیض نژادی و جنسی میباشد . "

کدام آترناتیو " انقلاب یا رفرم "؟

حال که برخی از بیانیه ۱۴ ماده‌ای رضا پهلوی را مسورد ارزیابی فرار دادیم، ببینیم نیروهای سیاسی دیگر اپوزیسیون را چه به این پلاتفرم چه نظری دارند. تا امروز تنها بیازگان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به این پلاتفرم پاسخ داده است که بیانیه سازمان مذکور روز ۱۵ مارس ۱۹۹۰ در روزنامه کیهان لندن درج گردیده است.

سازمان فدائیان خلق (اکثریت) با یکسری انتقادات بی محتوا خواهان مرادده سیاسی با طیف سلطنت طلبان می باشد آنها امید دارند که با طیف مذکور در آینده بتوانند همکاری های مشترکی را به پیش ببرند.

در اینجا يك سؤال مطرح میشود که اولاً چرا در شرایط فعلی سلطنت طلبان چنین پلاتفرمی را ارائه میدهند و بخش وسیعی از اقدار اجتماعی را مخاصب فرار میدهند و مهمتر از آن سازمان فدائیان خلق بعنوان یکی از نیروهای اپوزیسیون از این پلاتفرم استقبال میکند. بنظر میرسد که هم سلطنت طلبان و هم فدائیان اکثریت دارای يك ارزیابی از شرایط سیاسی اجتماعی امروز جامعه ایران باشند. سلطنت طلبان به این ارزیابی سیاسی رسیده اند که بنا بر مگر خمینی و روی کار آمدن خامنه‌ای و شکل گیری کابینه جدید هاشمی رفسنجانی نه تنها اختلافات جناحین حکومت فروکش نکرده است بلکه عمیقتر هم شده است و هاشمی رفسنجانی موفق نشده است که برنامه خود را به پیش ببرد. از این جهت وضعیت رژیم اسلامی روز به روز نسبت به سابق بدتر میشود و هر آن امکان تغییر و تحول در بالا میسر است. (بعد از اینکسه هاشمی رفسنجانی بعنوان رئیس جمهور، کابینه خود را اعلام کرد، علی امینی از همه سلطنت طلبان و میهن پرستان دعوت نمود که به ایران باز گردند و در بازسازی ایران سهیم شوند.)

فاکتور دیگری که از نظر سلطنت طلبان حائز اهمیت است، تغییر و تحولات جدید در شوروی و کشورهای بلوک شرق و انعکاس این تغییر و تحولات در حساب ایران و گرایش بخشی از فعالین چپ به سوسیال دموکراسی، این ارزیابی را موجب میگردد که در آینده طیف سوسیال دمکرات در يك تشکیلات جمع شوند. از این نظر پلاتفرم توری تنظیم شده که نه تنها سوسیال دموکراسی از آن روی گردان نیست بلکه از آن استقبال میکند. میبایست سازمان فدائیان اکثریت هم از نظر ارزیابی به این نتیجه گیری رسیده باشد که بنا بر در نظر گرفتن شرایط ملی و بین المللی و نبود يك آترناتیو دیگر امکان قدرت گیری سلطنت طلبان مهیا است. و اگر آنها بعد از قدرت گیری رژیم اسلامی با او بیعت کردند و همگام با روحانیت ضد انقلابی، انقلاب توده‌ای بهمین را به شکست کشانیدند.

اینبار دیگر قبل از قدرت گیری اعلام حمایت خود را اعلام میدارند بدون شك امروز جنبش کمونیستی در عرصه گیتی با شرایط سختی روبرو است. شاید بتوان گفت که از زمان شکل گیری جنبش کمونیستی بین المللی تا به امروز با این مشکل حاد روبرو نیسونه است. همین امر موجب گردیده که بورژوازی جهانی و نمایندگان سیاسی اثر در اقصی نقاط جهان یورش ببرجانه‌ای را چه در عرصه سیاسی و چه در عرصه نظامی علیه این ایدئولوژی آغاز نمایند.

مرهنگی برلمنت شناخته خید و حقوق و اختیارات طبیعی زنان منجمه اختیار پوشش به آنان اعاده گردد.

آیا زنان جامعه ما حق ندارند بپرسند مگر همان دستگاه حکومتی نبود که به زور حجاب از سر زنان بر میداشت و رژیم اسلامی به زور بر سر زنان چادر میکشد. زن ایرانی نه در رژیم سلطنتی از آزادی پوشش برخوردار بود و نه امروز. مگر دهها قوانین بر علیه زنان در مجلس شورای ملی و سنا تصویب نرسید؟ ولی از آنجائیکه پلاتفرم مذکور حساب شده میبایست و میخواهد تمام اقدار اجتماعی را در برگیرد، زنان هم مخاطب قرار میدهند زیرا نویسندگان پلاتفرم بخوبی میدانند که شرکت زنان در هر تغییر و تحول اجتماعی توازن قوای طبقاتی را تغییر خواهد داد و نیروی که میخواهد قدرت سیاسی را کسب کند میبایست این نیروی عظیم اجتماعی را در برنامه خود محاسبه کند.

اصل سیزدهم: ارتش و نیروهای انتظامی باید برای نگهداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور و تأمین امنیت داخلی به نحوی سازمان یافته و مجهز شوند که ضمن دستیافتن به آمادگی کافی برای انجام این مسئولیت، به سبب تسلیحاتی در منطقه دامن نزنند.

نقش نیروهای سرکوبگر در رژیمهای بورژوازی مشخص است. سرکوب هرگونه جنبش اعتراضی که بخواهد دولت مرکزی را براندازد این وظیفه محوری تمام ارتشهای کلاسیک بورژوازی است. تأمین امنیت داخلی یعنی نبرد با معترضینی که علیه نظم موجود میجنگد و خواهان از بین بردن نظم فعلی میباشند. مگر ارتش شاه نبود که در سال ۱۳۲۵ کردستان را سرکوب کرد و دولت خود مختار خلق کسرد را تار و مار نمود و قاضی محمد را در ملاء عام تیرباران کرد؟ مگر همین ارتش شاهنشاهی نبود که به آذربایجان حمله کرد؟ و همین ارتش شاهنشاهی بود که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را سازمان داد و نسل امروز کشور را نقش ارتش شاهنشاهی در ۱۷ شهریور ۱۲ آبان ۱۳۰۷ و حکومت نظامی از هاری را از یاد نبرده است. یا همین ارتش شاهنشاهی بود که خمینی توانست در اولین بهار آزادی به کردستان و ترکمن صحرا حمله کند. نقش ارتش در جمهوری اسلامی کاملاً روشن است و احتیاج به تفسیر ندارد. این کمونیستها بودند که از روز اول انقلاب شعار نابودی ارتش را دادند زیرا کمونیستها خواهان شکستن تمام دستگاه بوروکراسی نظامی دولتی میباشند و بجای آن پلیس تودمائی - پروتشی را سازمان میدهند.

پلاتفرم رضا پهلوی در خدمت منافع کل طبقه بورژوازی ایران میبایست. تجربه انقلاب بهمین ثابت کرد که هیچکدام از جناح بند بهای بورژوازی خواهان شکستن ماشین دولتی نیستند بلکه میخواهند این ماشین عظیم بوروکراسی از دست يك نیروی ارتجاعی به دست دیگر سپرده شود. انقلاب بهمین ثابت کرد که حفظ طبقه کارگری که رسالت تاریخی خود را درک کرده است خواهان تغییر و تحولات اجتماعی میبایست. اما کل طبقه بورژوازی و نمایندگان سیاسی آنها از این پلاتفرم استقبال خواهند کرد زیرا این پلاتفرم به قول مهدی بازرگان سیل نمی خواهد بلکه خواهان باران است.

زن در بارگه اسلام

اسلام همان چیزی را برای زنان می خواهد که رژیم جمهوری اسلامی تاکنون خواسته است.

مقدمه :

زن در بارگه اسلام - عنوان مقاله ای است از "سیف" که برای نخستین بار در پویشی بنام "دیدگاه - هنری ادبی، اجتماعی" شماره یک - ژانویه ۱۹۹۰ - آلمان غربی - کلن، بجا برسیده است. این مقاله کوشیده است تا با ملاحظه دیدگاه دین اسلام در باره زن و تبلور احکام این دین بصورت لوایح و قوانینی که رژیم جمهوری اسلامی علیه زنان وضع کرده و به مورد اجراء گذارده است، نشان دهد که عملکرد کنونی رژیم جمهوری اسلامی انطباق کاملی با احکام اسلامی و نظر اسلام در باره زن دارد. و آنچه در جمهوری اسلامی تاکنون در مورد زنان انجام گرفته عین قوانین اسلام است.

نشان دادن، روشن ساختن و بر ملا نمودن نظر واقعی اسلام با استفاده از متون معتبر آن، مثل قرآن، نهج البلاغه،

په لاناوار، مفاتیح الجنان و دیگر کتابهای مقدس اسلامی در مورد زنان و ارزش انسانی و اجتماعی آنان، به توهم زدائی در باره تشبیهات بخشی از اپوزیسیون بورژوازی رژیم از تبیل سلطنت ضحیان و دنباله روهای بختیار، نزیسه تا بنی صدر و مجاهدین و سپهت آزادی و امثالهم، کسه اکتون نیز چینی

تبلیغ میکنند که اسلام واقعی با اسلام خمینی و جمهوری اسلامی متفاوت است، یاری خواهد رساند.

ما ضمن آرزوی توفیق برای نویسنده مقاله در کارهای تحقیقاتی شان، این مقاله را در چند شماره نشیبه "پویش" بجا میرسانیم.

در این شماره نشریه از مقاله "سیف"، نظر اسلام را در باره "زن مصهر و موضوع زندگی جنسی" و در قسمتهای بعدی مطالبی زیر عنوان "برتری مرد بر زن از نظر عقل" و "زن مصهر مته انگیزی و فساد" و "میل جنسی غیر قابل کنترل در مردان" از نظرگاه اسلام خواهیم داشت.

ماهانمه پویش



می کرد پس از جنگ "تنها وظیفه بزرگ جمهوری اسلامی" را "مبارزه با بد حجابی و بی حجابی" می دانست و حالا با اعلام آتش بس، جنگ می رود که خاتمه پذیرد. پس بنا به گفته رژیم، حجاب هم اکنون بعنوان یک مسئله عمده برای رژیم مطرح است.

جمهوری اسلامی در طول حیات خویش در بسیار چیزها و گفته ها عقب نشست و هر جا که "صلاح اسلام" اقتضا میکرد، به راحتی گفته های خویش و اسلام را پس گرفت. حجاب و زن تنها مسائلی هستند که هنوز گلوی رژیم را می فشارند و او حاضر نیست در مقابل آن تن به عقب نشینی بدهد.

از بدو تاسیس جمهوری اسلامی، برخورد با زن به مثابه پستک انسان، همیشه بعنوان یکی از عمده ترین مشکلات، برای رژیم مطرح بوده و هست. سران رژیم هر روز ساعتها در این مورد داد سخن سر می دهند و صفحه ها مطلب می نویسند. هر روز صداهاتن از زنان را به جرم "بی حجابی"، "بد حجابی" و... دستگیر می کنند. برای کنترل زنان، در سطح کشور گشتهای ویژه ترتیب داده اند و همه جا سعی در این دارند که مرد را از این موجود "فته انگیز و خطرناک" بدور نگه دارند.

مبارزه با زن که درست پس از استقرار رژیم شروع شده بود، با اولین پیام خمینی در این مورد، در ۱۷ اسفند (۸ مارس) ۵۷، با اعتراض ده هزار نفری زنان مواجه و در نتیجه با عقب نشینی موقت رژیم خاتمه یافت. این مبارزه از ۱۴ تیر ۱۳۵۹ به شکل حادثی با شمار "یا روسری یا توستری" آغاز گشت. رژیم اعلام کرد که "جرم بی - حجابی ۳۵ روز زندان یا ۷۶ ضربه شلاق یا دو هزار تومان جریمه دارد." (۱) و متعاقب آن اعلام شد که "بیش از ۱۰۰ هزار نفر از خانمهای کارمند از ادارات"، "طبق حکم دادگاه انقلاب و به خاطر ایستادگی در برابر خواست جامعه یعنی رعایت پوشش اسلامی" اخراج شده اند. (۲)

۱. سیف

زن در بارگه اسلام

در تاریخ ایران، هیچگاه زن، آنطور که امروز در جامعه مطرح است مطرح نگرییده بود. در انبیاات ایران زن را گاه بصورت پیری و فرشته ای از رحمت در آسمانها توصیف می کنند و گاه کسی همپای شیطان، گاه وی الهه ای است از مهر و محبت و گاه موجودی است ناقص العقل و بیواحه، کسانی هم او را نیمه و یا نیمه ای از انسان می نامند. ولی قدر مسلم اینکه اکثراً او را موجودی برای مرد و در خدمت او می دانند. تاریخ کشور ما سراسر، مملو از آثار تسلط مرد بر زن است. اگر قبول داشته باشیم که پایگاه و موقعیت زن در یک جامعه مطمئن ترین معک و ملاک سنجش آن جامعه است، امروزه آزادی زن در جامعه، نه تنها سنگ محکی است بر معیار آزادی جامعه، بلکه امر آنکس و هر نیروی سیاسی اگر به این امر پاسخ ندهد و تکلیف خویش را با آن روشن ننماید، نمی تواند افق روشنی برای آینده خویش تصور نماید. و امروز درست در این رابطه است که اسلام ماهیست بر واقعی خویش را میان می سازد، واقعیستی که جمهوری اسلامی تبلور گویای آن است.

زن ایرانی در رژیم فقها نه تنها از زنجیر استعمار کهن و ستم چند جانبه و سیرپایی که بر وی روا میشد، نجات نیافت، بلکه ارتجاع حاکم هر آینه بیشتر وی را به بند می کشد. رژیم آنطور که خود مطرح

ع
ح

زن در بارگه اسلام

احکام ، موازین و ارزشهای واپسگرایان که جمهوری اسلامی در مورد زن بیان می دارد ، دستورالعملهایی هستند که ریشه در اسلام دارند بدون شناخت درست از اسلام و تاریخ آن ، قلبه بر آن امری است غیر ممکن... خلاصه آنکه ، آنچه را که اسلام و فقها در مورد زنان بیان می دارند عموماً در چند محور می توان توضیح داد:

۱- زن مظهر و موضوع زندگی جنسی

با توجه به شرایط مادی و اجتماعی بی که اسلام از آن برخاسته و با توجه به روابط پدرسالاری حاکم بر عربستان آن زمان ، اسلام نیز چون دیگر ادیان ، دینی است مرد محور و جنسیت گرا. میل جنسی که یکی از فرایز طبیعی انسان است ، در جوامعی نظیر جامعه ما همیشه در



برای فائق آمدن بر این مشکل بود که در اندک زمانی تشکیلات و سازمانهای وسیعی ایجاد گشتند. گشتهای "ثارالله" ، " پاسداران عفت" ، " خواهران زهرا" و ... پدیدار گردیدند و رژیم اعلام نمود که از این پس " زنان خاطی" را دستگیر و به خرج خودشان روانه " اردوگاه های بازسازی و آموزش" خواهد کرد. تازه این کوچکترین و ساده ترین محکومیتی است که اعلام شده بود. تعزیر سنگبار و اعدام ، محکومیت های دیگری هستند که هر کدام به شیوه های گوناگون بر زن " خاطی" ایرانی اعمال می شود و هاشمی رفسنجانی درست از این زاویه است که اعلام می دارد: " اینان به خشونت احتیاج دارند" و در پی اینگونه رهنمودهاست که به دنبال روسری تو سری نیز می آید و اخراج زنان از ادارات و موسسات دولتی شکل گسترده تری بخسود می گیرد. در بسیاری از رشته های تحصیلی را بر روی زنان می بندند ، زنان را به بهانه دست دادن با مردان و یا بیرون آمدن چند تار موی سر از زیر روسری به شلاق می بندند ، صحبت کردن با همکار مرد به مثابه لاس زدن ، حکم اخراج در پی می آورد ، نپوشیدن جوراب کلفت و یا استفاده از مظهرهای خوش بو در سرکار جرم و گوشه ای از ترویج فحشا و فساد محسوب می شود. در زندان به این علت که اگر دختر ، باکره کشته شود به بهشت خواهد رفت ، تجاوز جنسی پاسداران برای زنان محکوم معمول می گردد که متعاقب آن " مهر" دختر ، به صورت یک کله قند ، پس از مرگش به خانواده اش پرداخت می گردد. و خلاصه هر کدام در کل به اهرمی تبدیل می شوند برای نا امن بودن محیط کار و زندگی اجتماعی برای زنان. و جالب اینجاست که در بحبوحه این کارزار کسانی نیز از مدعیان " برابری زن و مرد در جامعه" با کشف خطوطی جدید در اسلام نه تنها چشم بر این واقعیات جاری می بندند بلکه مدعی می گردند که " شاید تاکنون کسی در تاریخ ایران پیدا نشده که مانند امام خمینی زن را آنگونه که در خور مقام اوست ارجمند بدارد" (۳) و در کنار اینها چه بسا روشنفکران که داعیه مبارزه با احقاق حقوق زن در سر دارند ، آنگاه که به خویش و زندگی خویش می رسند ، درست در همان سکویی قرار می گیرند که فرهنگ عقب مانده مرد محور ما بر آن قرار دارد.

در کشوری که همه چیز برای زنان ممنوع است ، زن چنین خسوار و تحقیر می شود ، صدایش که از پس پستوخانه در آید جواب از سکوی نماز جمعه داده می شود که " دیگر قرار بر این نیست که مسئولان جلوی جزیبالله را بگیرند ، دست آنها در امر به معروف باز خواهد بود" (۴) و چنین است که " حزب الله" دستش باز است تا زن را آنگاه که نمی خواهد در زندان خانه محبوس بماند به جرم " متجاهمین به فسق" " شناسایی و دستگیر" کند. (۵) و بر چنین روندی ، حمله رژیم به جنسیت زن از زاویه فحشا ، روز به روز دامنه گسترده تری می یابد. امروزه در حالی که فساد جنسی تار و پود رژیم را در بر گرفته ، آنچه بر جمهوری اسلامی حاکم است و هر آنچه هر روز از بارگاهش صادر می گردد ، همه و همه بر اساس نابرابری زن و مرد استوار است. " زنان کارمند نمی توانند مانند مردان از محل کار خویش برای بیمه کردن فرزندان - نشان استفاده کنند و طبق بخشنامه وزارت مسکن ، زنان کارمندان از حق شرکت در تعاونی های مسکن محل کارشان محروم گردیدند" (۶) " زن بدون اجازه شوهرش حق کار کردن ندارد ، بخصوص کاری که مانع از ایفای وظایف زناشویی باشد" (۷) و اصلاً " آیا درست است که زنان بسیاری با نام نیاز اجتماعی بکار مشغول شوند ، در حالی که مردان زیادی با کمبود کار مواجه باشند." (۸)

محاق و مهار " اخلاق" قرار داشته و دارد. اسلام این غریزه را تنها برای مرد به رسمیت می شناسد و صرفاً به آن از دریچه احتیاج مسرد می نگرد. در نتیجه برای رهای از این " مسئله" راه های فراوانی تنها برای مرد توصیه و حکم می کند. زن تنها بعنوان وسیله ، برای برون رفت از این " مشکل" مرد مطرح می گردد.

جوامع اسلامی ، از آنجا که سعی فراوان در سرکوب و به انحراف کشاندن غریزه جنسی دارند ، پیوسته در کانون عکس العملهای ناشی از " بحران های جنسی" قرار دارند. با به بند کشیدن ، سرکوب و در محدودیت و محرومیت نگه داشتن فرایز جنسی و حبس آن در زندان " اخلاق" بخش مظلومی از توان افراد در جامعه ، حول آن صرف می گردند. گشته از آن همواره مشکلات ناشی از این امر (دموا ، قتل ، گناه و...) رو به تزاید است. برای نمونه می توان به گسترش ابعاد شکست های

زن در بارگه اسلام

روانی برای زنان ایرانی در جمهوری اسلامی اشاره کرد.

اسلام به زن تنها از دریچه مسایل جنسی می نگرد و زن از دید آن مظهری است از زندگی و موضوع جنسی. "زنان کشتزار شمایند، برای کشت به آنها نزدیک شوید، هرگاه و هر جا معاشرت آنها خواهید" (۹). و یا "زنی که عقد دائمی شده، احتیاط در آن است که بدون اجازه شوهر برای کارهای جزئی از خانه بیرون نرود و هر چند که با حق شوهر منافات نداشته باشد و باید خود را برای هر لذتی که او می خواهد تسلیم نماید" (۱۰). بر این اساس مردان مسلمان سعی در این دارند که زن را حتی الامکان از زندگی اجتماعی به دور و در کنج خانه مرقا برای مصارف جنسی خویش نگاه دارند، زیرا دیدار او با هر مرد "فتنه" ببری انگیزد و ارکان اسلام به لرزه می افتد. جمهوری اسلام می نیز درست از این زاویه است که زن زانی را در جامعه شروع کرده و می کند. کلاسهای درس، اتوبوس، تریا، دکترو پرستار و ... زنانه مردانه گردیدند و تمام وظایف زن به مثابه یک انسان در چهار چوب خانه و شوهر داری فرموله شدند. "زنان شوهردار می توانند برای انجام کارهایی که مزاحم زناشویی نباشد استخدام شوند و در صورتیکه انجام کار موجب تضییع حقوق زناشویی شوهر باشد، استخدام سوطه اجازه شوهر دارد." (۱۱) چرا که جهاد زن حوض شوهرداری کسردن است" (۱۲) و "این معنی واضح و روشن است که قدرت شوهرداری و تربیت اولاد در زنان از فوائد و آثار وجود موافق قوی آنان میباید. پس اگر دقت شود روشن می گردد که اگرچه کارهای خشن و سخت بر مهده مردان است ولی این اخلاق و رفتار و موافق زنان است که در قدرت روحی و نشاط مردان اثر زیادی می گذارد و مردان میتوانند در خارج از منزل با نشاط و قدرت کار کنند. پس زنان در حقیقت در کار مردان نیز به این معنی شریکند. زنان هم در ادارهی منزل و هم در کارهای بیرون منزل دخیل و موثرند و این نکته است قابل توجه" (۱۳).

مادر بودن نیز از دیگر مسائلی است که اسلام به کمک آن سعی دارد زن را در خانه محبوس گرداند. اگر زن به این مواعظ تن در نداد و حاضر نگشت در کنج خانه، صورت آماده باش داریم برای رفع احتیاجات جنسی مرد بماند، طبیعی است که "منطق" تکمیل و به چساق ارتقاء پیدا کند. "به مردان مسلمان توصیه می شود که زنانی را که از نا فرمانی آنان بیمناک هستید موافقشان نبوده و در بستر از آنان دوری گزینید و مورد ضرب قرار شان دهید." (۱۴) و یا در "خطبه وداع" از حضرت محمد نقل است که "ای مردم اینک من راجع به زنهایی شما صحبت می کنم. زنهایی شما بر شما حق دارند و شما هم بر زنهایی خویش حق دارید. وظیفه آنها این است که نگذارند شخصی وارد بستر شما شود (جز خود شما) و کسانی که مورد محبت شما نیستند به خانه راه ندهند. اگر آنها به این وظایف عمل نکنند خداوند به شما اجازه داده است که در بستری جداگانه استراحت کنید و آنها را کتسک بزنید ولی نه به شدت و همینکه از شما اطاعت کردند و وظیفه خود را به انجام رسانیدند، به آنها غذای مناسب بخورانید و لباس مناسب بر آنها بپوشانید. شما باید با زنهایی خود به بهترین وجه رفتار کنید چون آنها در خانه شما یک محبوس هستند و از خود اختیاری ندارند و با یک محبوس که از خود اختیاری ندارد باید با محبت رفتار کرد." در هر دو نقل قول مذکور، بستر و اگر نشد کتک به شکل ویژه ای برجستگی دارند. آماده باش دایمی زن در بستر برای ارضای شهوت

مرد و در غیر اینصورت کتک، دو چیز لازم از پدیده جنسی نزد اسلام است. تنبیه و کتک از دریچه این دید نه تنها مفید بلکه لازم است. از این وسیله به عنوان دارو و درمان نیز جهت "مراض" زن میتوان استفاده کرد. زیرا که "روان گاو ان، امروز معتقدند که جمعی از زنان دارای حالتی بنام مازوشیسم (مازوخسیم) هستند و گاه این حالت در آنها تشدید می شود، تنها راه آرامش آنان تنبیه مختصر بدنی است. بنا بر این ممکن است ناظر به چنین افرادی باشد که تنبیه خفیف بدنی در مورد آنان جنبه آرامبخش دارد و یک نوع درمان روانی است" (۱۵). مرد مسلمان اگر نتوانست با این وسایل، این موجود "آشوبگر" را رام و در خانه محبوس گرداند، خوف جهنم را با احادیث خوفناکتر برایش ترسیم می کند. "زنی که به زبان آویزان بود، زنی است که شوهرش از دست و زبان او در امان نبود. آن زنی که به پاهایش آویخته بود، زنی است که بدون اجازه شوهر از خانه بیرون می رود، آن زنی که گوشت بدن خود را می خورد زنی است که خود را زینت می کند و از دید نامحرم خود را حفظ نمی نماید" (۱۶).

میل فنا ناپذیر و غیرطبیعی بی که اسلام از غریزه جنسی مردارانه می دهد، محک و دریچه ای است که تنها از آن باید، می توان به زن نگریست. "در واقع سراسر ساختمان درونی و بیرونی و اخلاقی زن در پیرامون جهاز رحم تشکیل شده و پیوسته از وضع و تغییرات آن متاثر می شود. چنانکه زنان بی شوهر و نازا وضع جسمی و روحی شان دگرگون می شود" (۱۷) و یا "همه جهازات درونی و نمای بیرونی زن کشتزار پرمایه ای برای پذیرایی و پرورش بذر انسان است." (۱۷). اگر زن نتواند و یا نخواهد خود را به میل مرد و "برای هر لذتی" آماده کند، آنگاه است که "برابری زن و مرد" به سبک اسلامی خود را می نمایند و طبیعی است الطاف الهی نیز از ضعف به شدت گرایش پیدا کنند. "زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود و باید خود را برای هر لذتی که از می خواهد تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند و اگر در اینها از شوهر اطاعت نکند، تهیه غذا و لباس و منزل او و لوازم دیگری در کتب ذکر شده بر شوهر واجب است." (۱۸).

باید توجه داشت که "هر لذت" در اسلام تنها شامل رابطه طبیعی جنسی نمی باشد. مرد حق دارد آنگونه و آن شکل از لذت جنسی را که خود می پسندد بر زن روا دارد. "وطی بر دبر زن حائض کفارہ ندارد" (۱۹) (یعنی ارضای شهوت از طریق مقعد زن خالی از اشکال است) و املا "در هر زمان و مکان و از هر جهتی که تمایل مسرد برانگیخته شود، در همان مجری حرث روی می آورد" (۲۰) گرسنه نگه داشته زن و زندانی کردن او بدون در اختیار گذاشتن هیچگونه مایحتاجی و نهایت کتک زدن او در مجموع شامل تنبیهات ضعیفی هستند که بر اساس این مکتب حکم نوازش و یا آگاه گردانیدن را دارند و گرنه شوهر می تواند به راحتی حکم دیگری صادر و تصمیم

فایی را اتخاذ نماید. "ابتدای عده طلاق از موقعی است که خواندن صیغه طلاق تمام شود، چه زن بداند که طلاقش داده اند و یا نداند" (۲۱). طلاق صلاح برنده ای است که اسلام به دست شوهر داده تا آنجا که از "کشتزار" ی خوشش نیاید و "کشت" بر آن برایش فاقد جذبه لازم باشد، لم برزق اعلامش دارد. زن مطلقه جزو بخت ترین افراد جوامع

زن در بارگه اسلام

ی " سلب مالکیت مریم | عضدانلو از مهدی ابریشم چی و سپس از آن در ملکیت و در تصرف رجوی قرار گرفتن وی بود. به زعم مجاهدین این امری است منطبق با اسلام و قرآن. مریم عضدانلو تنها از طریق به تصرف و به تملک در آمدن مسعود رجوی می توانست به رهبری سازمان برسد. یعنی تفویض قدرت به زن از طریق انقلاب جنسی. و چنین است که سمبل زن مجاهد بدون هیچگونه عشق، عاطفه، رابطه ایی انسانی، صرفاً به این جهت که سیاست اقتضا می کرد و او می بایست برای مسعود و در کنار او کار می کرد و این کار کردن می طلبید که وی بر او " محرم" باشد، در نتیجه در اختیار و به تملک او در آمد. مسئله جنسیت برای فقها و روحانیون و بالطبع مسلمانان آنقدر مهم بوده و هست که جمهوری اسلامی نیز همزمان با سرکوب های اجتماعی - سیاسی، سرکوب آنها نیز قدم به قدم پیش برده است.

ادامه دارد

اسلامی است و نمکین ترین زندگی را در اینگونه جوامع داراست، چراکه از زندان شوهر آزاد گردیده به زندانی بزرگتر، بنام " جامعه اسلامی" وارد می شود. زندان جدید برای او به مراتب وحشتناکتر، خوفناکتر و کشنده تر است. براین اساس است که زنان در جوامع اسلامی، از آنجا که استقلال اقتصادی - اجتماعی ندارند، ترجیح می دهند با هرختی در خانه شوهر ماندگار گردند.

نگرش اسلام به زن نگرشی است که مالک بر مایملک خویش دارد و کلاً طبق اسناد اسلامی، زن چیزی جدا از ملک مرد نمی باشد. " از زنان هر چه خوش دارید، دو دو، سه سه، چهار چهار بگیرید و اگر بیم دارید که عدالت نکنید فقط یک زن یا کنیزی که مالک آنستید برگزینید" (۲۲) و یا " نکاح زنان محصنه بر شما حرام شد مگر آنکه متصرف و مالک شده اید" (۲۳) زن به مثابه کالا و ملک به راحتی خرید و فروش می شود، قیمت او با توجه به طبقه ای که متعلق به آن است فرق می کند. مناسبات زناشویی نیز به طریقی بر پول استوار می گردند و زن می تواند حق همستری خویش را دریافت دارد. حالاً مرور زمان و پیشرفت جامعه در این مناسبات خلل ایجاد کرده و از دامنه پیشرفت آن کاسته امری است دیگر. " حلال است بر شما که بطلبید و ازدواج کنید به اموال خود زنان را با پاکدامنی و بی زنا - کاری. پس آنچه تمتع کرده اید. زنها را، به چیز به آنها بدهید که واجب است دادن مهر و باکی نیست بر شما در آنچه طرفین راضی باشند. از کم کردن یا از بین بردن یا نقد و نسیه دادن مهر بعد از تعیین آن در عقد. البته خدا دانا و امرش با حکمت است." (۲۴).

" دبه"، " مهر"، ... همه نرخهای مختلفی هستند که جهت تصرف این " کشتزار" باید پرداخته شود. در عقدهای موقت (میغه) این پول قبل و یا پس از همخوانی دریافت می گردد. و خلاصه اینکه " مهر زنان به عوان یک بدهی" باید پرداخته شود. (۲۵) چراکه او " متحمل خسارات بیشتری" نسبت به مرد می گردد و در حقیقت مهر چیزی است بمنزله جبران خسارت برای زن و وسیله ای بسزای زن و وسیله ای برای اطمینان آینده او. به این بهانه که اگر از شوهر جدا شود " امکان انتخاب همسر مجدد" برای او کمتر است، زیرا " سرمایه جوانی و زیباییش" را از دست می دهد. (۲۶)

به ملکیت خویش در آوردن زن، گذشته از خرید وی، از راه " تملک" و " تصرف" نیز امکان پذیر است، به این معنا که زن را چون کالا می توان در جنگ یا " محاربه" به غنیمت گرفت. هر مرد مسلمان می تواند تا بشمار " گنیز" از خرید و یا " غنیمتی" در اختیار داشته باشد. فقها پس از پیغمبر به این نتیجه رسیدند که هر مرد مسلمان می تواند تا چهار زن بعنوان میعه دائم اختیار کند و در این رابطه از رهنمودهای قرآن - که برایش مرزی نمی شناخت - عقب نشستند ولی همه بر این امر توافق دارند که در اختیار داشتن کنیز و همسر موقت، کمیت می شناسد. به غنیمت گرفتن کنیز به همراه اموال از پادشاهایی بود که اسلام برای جهانگشایی های خویش به سربازان می داد و یکی از شکردهایی به شمار می آمد که بدانوسیله لشکر سیج می نمود " این دیاری است که خدا مردم آنرا به شما حلال کرده است... اگر پایمردی کنید و چنانکه باید ضربه بزنید، اموال و زنان و فرزندان و دیارشان از آن شماست" (۲۷)

مسئله مالکیت به نحوی در میان مجاهدین (مسلمان مدرنیزه) نیز به چشم می خورد. پیش شرط " انقلاب ایدئولوژیک" و " ازدواج توحیه

- ۱- به نقل از آیت الله مانهی در همین تاریخ
- ۲- به نقل از مصطفی کتیرایی رئیس سازمان امور استخدامی واداری کشور در مصاحبه با زن روز ۲۵ مرداد ۱۳۵۹.
- ۳- مریم فیروز، عضو هیات سیاسی حزب توده ایران، مهر ۱۳۵۹
- ۴- هاشمی رفسنجانی - کیهان ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۷
- ۵- از حکم دادستان انقلاب تهران به کمیته ها، کیهان ۱۸ خرداد ۶۷
- ۶- کیهان اول اسفند ۱۳۶۱
- ۷- مهدوی گرمانی سرپرست دادگاه های خاص مدنی، در مصاحبه با کیهان ۱۵ اسفند ۶۱
- ۸- کتاب " اصالت حجاب در اسلام" صفحه ۸۳، نوشته حسن قاضی انتشارات اسلامی
- ۹- قرآن، سوره بقره آیه ۲۲۴
- ۱۰- توضیح المسائل موسوی خوئی، مسئله ۲۴۲۱
- ۱۱- به نقل از پیش نویس قانون کار جمهوری اسلامی، ماده ۵۴
- ۱۲- حضرت علی به نقل از " تقریری از سلسله مباحث و درسهای آیت الله منتظری پیرامون مبانی فقهی حکومت اسلامی" که در سال ۱۳۶۷ در کیهان طی چندین ماه بصورت مسلسل به چاپ رسید.
- ۱۳- آیت الله منتظری - فوق کیهان ۲۷ تیر ۱۳۶۷
- ۱۴- قرآن، سوره نساء، آیه ۲۴
- ۱۵- تفسیر نمونه، ص ۳۷۳
- ۱۶- حدیث به نقل از مشاهدات پیغمبر از معراج - رسالت ۲۹ مرداد ۱۳۶۶.
- ۱۷- آیت الله طالقانی - پرتوی از قرآن، جلد دوم صفحه ۱۲۴
- ۱۸- آیت الله خمینی، توضیح المسائل - مسئله ۲۴۱۲
- ۱۹- آیت خمینی، توضیح المسائل، مسئله ۴۵۲
- ۲۰- طالقانی، پرتوی از قرآن، جلد دوم صفحه ۱۲۵
- ۲۱- آیت الله خمینی، مذکور، مسئله ۲۵۱۶
- ۲۲- قرآن سوره نساء، آیه ۲
- ۲۳- همانجا، آیه ۲۴
- ۲۴- همانجا، آیه ۲۳
- ۲۵- همانجا، آیه ۳
- ۲۶- تفسیر نمونه، جلد ۲، ص ۲۶۴
- ۲۷- تاریخ طبری - از سخنرانی ماص ابن عمر در جنگ قادسیه، جلد ۵، ص ۱۷۵۷

مصاحبه با اتحادیه (DGB)

مقدمه

در پویش شماره ۵ به طور خلاصه ضرورت شناخت نظرات، اهداف و فعالیت های شکل ها و جریانات پیشرو، مترقی و کارگری ملیت های دیگر را خاطر نشان ساختیم، و شما خوانندگان گرامی را از قصدمان به منظور ترتیب دادن سلسله مصاحبه هایی با سازمانها، تشکلهای، نهادها و نیروهای مترقی، پیشرو و کارگری - که در سطح هانوفر و سایر نقاط آلمان فعالیت میکنند - آگاه نمودیم.

در آن شماره اولین مصاحبه با ما هنامه *Unsere Stimme* (صدای ما) از نظراتان گذشت.

در این شماره مصاحبه با زیگفرد کروگر (S. Krüger) دبیر بخش کارگران خارجی DGB در ایالت نیدرزاکسن را منتشر می نمایم.

اتحادیه DGB ائتلافی است از حدود ۱۷ اتحادیه مجزا. DGB در سال ۱۹۴۹ تأسیس شده و طبق آمار سال ۹۸۴ حدود ۱۰۰ هزار عضو دارد که در اتحادیهها مشغول شده اند، عضو آن می باشند اعضا DGB را علاوه بر کارگران، گروههای دیگری اجتماعی نظیر کارمندان، معلمان و پرستاران نیز تشکیل می دهند.

بخش مهمی از سئوالات ما از زیگفرد - کروگر در رابطه با پیش نویس جدید قانون خارجی هاست. این امر از دو جهت ضرورت داشت اولاً اینکه مسئله قانون

خارجی ها یکی از موضوعاتی است که مستقیماً به زندگی ما پناهندگان و مهاجرین مربوط می شود و پرداختن به آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است و ثانیاً موضع DGB نسبت به قانون خارجیها بحثها و انتقادات زیادی را برانگیخته است. زیرا DGB نه خواستار الغاء هر گونه قانونی برای "خارجیها" و حقوق مساوی برای آلمانیها و غیر آلمانیها بلکه خواستار "انسانی کردن" قانون خارجیهاست.

علاوه بر موضوع قانون خارجیها سئوالات دیگری نیز در مورد رابطه DGB با پناهندگان سیاسی، ماهیت جمهوری اسلامی و راههای ابراز همبستگی علی DGB با کارگران ایران مطرح شده است. طبیعتاً درج نظرات زیگفرد کروگر -

همانگونه که بختا از محتوای سئوالات سنجیز آشکار است به معنای تصدیق و تأیید این نظرات از جانب نشریه پویش نمی باشد.

متن مصاحبه برای انتشار در پویش تصحیح و خلاصه شده است. عبارات درون (()) برای سهولت درک مطلب اضافه گردیده است. ★★★

پویش: ممکن است خودتان را معرفی کنید؟

کروگر: اسم من زیگفرد کروگر است. من دبیر کارگران خارجی DGB در ایالت نیدرزاکسن هستم. من عضو هیئت رئیسه نیستم.

پویش: لطفاً موضع DGB در قبال پیش نویس قانون خارجیها را مختصراً توضیح دهید.

کروگر: DGB انتقادات زیادی نسبت به قانون جدید خارجیها دارد. ما از مدت ها پیش خواهان قانون جدیدی برای خارجیها، بخصوص شهروندان خارجی که اینجا زندگی می کنند، بودیم. این مسئله برای ما خیلی مهم است که انسانهایی نه مدت طولانی در اینجا زندگی کرده اند توسط قانون خارجیها به طور خود بخودی

حق اقامت داشته باشند. نظر ما این نیست که حق اقامت ویژه ای به تصویب برسد بلکه ما می خواهیم که حق خارجیها بعد از مدتی معین به یک امر مسلم تبدیل شود. همچنین موضع ما این است که به بچه های خارجیها نه اینجا متولد می شوند قانوناً حق اقامت داده شود. موضع دیگر ما این است: خارجیهایی هستند که مدت طولانی اینجا کار و زندگی کرده اند و بچه های آنها که به منظور خدمت سربازی در این دوره های آموزشی به کشور خودشان رفته اند، باید حق برگشت مجدد به آلمان را داشته باشند. غیر از این ما موافق این هستیم که حق خارجیها برای کار سیاسی در آلمان باید یک حق بنیادی باشد.

و هیچ دلیلی وجود ندارد که در این مورد با خارجیها رفتاری غیر از آلمانیها بشود. پویش: اغلب خارجیهایی که در اینجا جا زندگی می کنند میایند که از حق شهروندی کامل و حقوق مساوی با آلمانیها برخوردار باشند. به علاوه هر نوع قانونگذاری جداگانه برای خارجیها نشانه تبعیض و نابرابری ما بین آلمانیها و خارجیهاست آیا

پویش: موضوع قانون خارجیها سئوالات دیگری نیز در مورد رابطه DGB با پناهندگان سیاسی، ماهیت جمهوری اسلامی و راههای ابراز همبستگی علی DGB با کارگران ایران مطرح شده است. طبیعتاً درج نظرات زیگفرد کروگر -

فرد نمیکنید که خواست DGB مبنی بر "حقوقی انسانی برای خارجیها" نه تنها یک خواست خارجیها بی توجه است بلکه این تبعیض و نابرابری را ابقا میکند؟

کروگر: حق شهروندی برابر یعنی تساوی حقوق آلمانیها و غیر آلمانیها را که در حال فقط از طریق تقاضای تابعیت امکان پذیر است. به نظر من این مسئله درآینده نیز تغییر نخواهد کرد، چون (درآینده نیز) فرقی بین آلمانیها و خارجیها

وجود خواهد داشت. ولی یک خارجی که مدت مدیدی در اینجا زندگی می کند باید حق این را داشته باشد که تصمیم بگیرد شهروند آلمانی باشد یا خیر؟ ما بعنوان اتحادیه می گوئیم این امر باید امکان پذیر باشد که هر کس دارای یک تابعیت ضاعف باشد یعنی تابعیت میهن خود را حفظ کند و علاوه بر آن تقاضای تابعیت آلمانی بنماید. ولی تابعیت کشوری که محل اصلی زندگی است، مثلاً در آلمان - فرد را

پذیرفته شود و تابعیت میهن ((خود فرد)) تا زمانی که آن فرد تابعیت آلمانی را بپذیرد (موجب) آرامش وی باشد. هم اکنون چنین مواردی در توافقات بین کشورهای مختلف وجود دارد. خواست ما مبنی بر انسانی کردن حق خارجیهای موجود به این معنی است که تا کنون حق فعلی خارجیها هنوز هم مبنای تفکر قدیمی با جهت گیری دولت ناسیونالیستی ((منصرف نحوه تفکر در زمان آلمان نازی)) است.

پویش: اصولاً چرا DGB طرفدار وجود یک قانون جداگانه برای خارجیهاست؟

کروگر: موضع اتحادیه اینست که ما به یک قانون خارجیها و یک مقررات ((متوسط به)) حقوق خارجیها احتیاج داریم زیرا انسان باید بین شهروندان آلمانی و غیر آلمانی فرق بگذارد.

انسانهایی که مدت درازی است در اینجا زندگی می کنند و سیر در صورت تعاقب تابعیت آلمانی می گیرند از حقوق آلمانیها برخوردار می شوند.

اما تا زمانی که این تفاوت در حق شهروندی موجود است و به عنوان مثال یک حق شهروندی اروپایی وجود ندارد، ((حق شهروندی اروپایی ای)) که امیدوارم، روزی برای همه کشورهای اروپایی معتبر باشد، انسان به مقررات قانونی ((برای

مصاحبه با اتحادیه (DGB)

غیر آلمانی ها)) احتیاج دارد. بنابراین من یک حق ((جداگانه برای)) خارجیها لازم است. فقط همانطور که قبلا گفتم، ما معتقدیم که حق خارجیهایی که فی الحال معتبر است، شدیداً احتیاج به اصلاح دارد و میبایست تغییر کند.

پویش: اغلب پناهندگان سیاسی معتقدند که DGB به اندازه کافی به مشکلات آنها توجه نمیکند. به همین جهت هنگامی که پناهندگان مشکلی دارند به گروههایی نظیر "سازمان غو بین الملل" و "شورای پناهندگان" که برای آنها بیشتر کار انجام میدهند، مراجعه میکنند. در این باره چه فکر میکنید؟ آیا DGB از مناسبات خود با خارجیها و مخصوصاً پناستندگان سیاسی راضی است؟

کروگر: من باید بگویم که DGB به عنوان یک سازمان سیاسی انسانهای نارس، در وهله اول مصالح و نیازمندیهای کارگران خارجی عضو اتحادیه را نمایندگی میکنند و پاسخ میگوید. اما علاوه بر آن در چهار چوب فعالیت سیاسی مصالح ((افراد))، مصالح خارجیهایی ((را نمایندگی میکند که)) در اینجا زندگی میکنند و خانوادههایی که بیکار هستند. ما در مورد نحوه رفتار با پناهندگان سیاسی نیز موضع گرفته ایم و از حقوق پناستدگی در قانون اساسی مان حمایت میکنیم. طبق این حق به فراریان سیاسی که به دلایل سیاسی به آلمان فدرال می آیند اجازه اقامت داده میشود. ما خواستاریم که آنها زودتر از تاکنون حق کار کردن نیز داشته باشند.

من مایلم بیکار دیگر تاکید کنم که DGB در وهله اول یک سازمان پناهندگان نیست بلکه نمایندنده مصالح کارگران است. ولی ما حقوق و مصالح همه خارجیهایی را که در اینجا زندگی میکنند را نیز به حساب می آوریم. شعار ((ما)) اینست: خارجیها هم شهروندان ما هستند و ما باید بخصوص اگر به دلایل سیاسی به آلمان فدرال آمد ماوند، به آنها جایی برای زندگی بدهیم.

پویش: شما گفتید که DGB در وهله اول نماینده مصالح انسانهای کارکن است. با این حال بین کارگران و بیکاران

می تواند علایق مشترکی وجود داشته باشد به عنوان مثال متقاضیان پناهندگی در آلمان غربی تا هنگامی که پناهندگی شان به رسمیت شناخته نشده است، اجازه کار ندارند و اگر آنها به طور غیرقانونی کار کنند مطمئناً این امر تأثیرات منفی بر بازار کار و سطح دستمزدها خواهد داشت. آیا فکر نمی کنید که در این زمینهها میتوان اقدامات مشترکی انجام داد؟

کروگر: DGB و اتحادیه ها خواست کار برای همه را دارند. یعنی ایجاد محل کار برای انسانهایی که می خواهند کار کنند. برای این منظور مأموریه پیشنهاداتی مشخصی مطرح کردیم و در آنها گفتیم که باید ساعات کار از طریق عقلانی کردن و بالا بردن تولید کم بشود و از آن طریق امکان کار برای بیکاران بوجود آید. ما بارها از دولت تقاضا کردیم که به این منظور برنامه ویژه ای با پشتیبانی دولت پیشتر برده شود تا به عنوان مثال در حفاظت از محیط زیست و مراقبتهای اجتماعی، محل کار اضافی بوجود آید. اینها خواسته های اتحادیه هستند. ((اما)) وضعیت متأسفانه در آلمان فدرال اینطور است که سیاست دولت تاکنون قادر نبوده که درخواستهای ما را مورد حمایت قرار دهد به طوری که ما همیشه بیش از ۲ میلیون بیکار داریم و مشکلات با آمدن مداوم هزاران نفر در هر روز و هر ماه به آلمان، ساده تر نشده است. ما صدها هزار نفر مهاجر

آلمانی الاصل داریم که از کشورهای بلوک شرق به آلمان فدرال می آیند. ما صدها هزار نفر داریم که از آلمان دیگر یعنی از DDR به آلمان فدرال می آیند. ما همچنین مهاجرت سالانه حدود ۲۰ هزار نفر به آلمان داریم که اعضای خانواده کارگران خارجی هستند که این کارگران مدت هاست در اینجا کار کرده اند. ما هر سال هجوم حدود یک میلیون فرساری سیاسی بیشتر به عنوان متقاضیان پناهندگی را به کشور داریم و این طبیعتاً بسیار مشکل است که برای همه انسانها محل کار ایجاد شود.

اما ما کماکان طرفدار چنان سیاستسی هستیم که برای انسانهایی که در این کشور زندگی میکنند و بیکار هستند، محل کار ایجاد می کند. ولی ما به هر حال نمی توانیم برای همه انسانهایی که به این کشور وارد میشوند - چه به عنوان مهاجران

کشورهای اروپای شرقی و آلمان شرقی و چه فراریان سیاسی فورا نگران محل کار باشیم.

بنا به موضع اتحادیه ای ما صحیح تر اینست که سیاستی اتخاذ شود که امکان ماندن انسانها در میهن شان و پیدا کردن کار در آنجا را فراهم کند. و این امر در حوزه وظایف سیاست خارجی جمهوری فدرال آلمان است.

پویش: مهمترین دلیلی که خارجیها و فراریان سیاسی اجباراً به کشورهای دیگر مهاجرت می کنند، وجود وضعیت وخیم سیاسی - اجتماعی در کشورشان است. نمونه بارزی از این امر فراریان سیاسی ایرانی می باشند. با توجه به این موضوع ممکن است مختصراً نظر خود را درباره رژیم جمهوری اسلامی ایران بیان کنید؟

کروگر: هنگامی که انسانها میهن شان را ترک می کنند (به این دلیل که آنها با مناسبات سیاسی در آنجا موافق نیستند، به این دلیل که مناسبات سیاسی دمکراتیک ((در میهن شان)) وجود ندارد و چنین امری مطمئناً درباره ایران صدق می نماید) ما در این مورد آنها را کاملاً درک می کنیم. اما از سویی دیگر باید خاطر نشان ساخت که همانسانها نمیتوانند میهن شان را ترک کنند. انسانهایی نیز باید برای تغییر مناسبات سیاسی در کشور کوشش کنند.

پویش: همانطور که میدانیم کارگران ایران تحت شرایط بسیار دشواری به سر می برند. آنها از فقر و تنگدستی در رنجند اعتراضات و اعتصاباتشان به گونهای وحشیانه سرکوب می شود. هیچگونه حتی برای برپایی تشکل های خودشان - از جمله اتحادیه - ندارند و هزاران تن از آنان توسط رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده اند. DGB چگونه میتواند همبستگی عملی خود را با کارگران ایران نشان دهد و تاکنون چه اقداماتی در این رابطه صورت گرفته است؟

کروگر: اتحادیه ها در اتحادیه بین - المللی شان، در اتحاد بین المللی آزاد

مصاحبه با اتحادیه (DGB)

(internationaler Bund Freier Gewerkschaften) برای حقوق دمکراتیک انسانهای کارکن در سراسر جهان - و همچنین در ایران - مبارزه می کنند . اما این امر بسیار دشوار است که از خارج یک کشور مناسبات دمکراتیک را پیش برد یا برقرار کرد . در این رابطه وظیفه داریم انسانهایی را که از نظر سیاسی تحت تعقیب هستند ، در اینجا پناه بدیم . اما باید خاطر نشان کرد که طبیعتا امکانات پذیرش کشور بسیار پیشرفته و ثروتمندی چون آلمان غربی نیز نامحدود نیست .

من همه مشکلات و شرایط داخلی ایران را نمی شناسم . اما به عنوان یک فرد علاقمند به مسائل سیاسی طبیعتا گزارشهایی که مطبوعات از شرایط ایران داده می شود ، دنبال میکنم و

از این طریق این نکته را میدانم که دلیل اینکه به بعضی مثال در ایران اتحادیه وجود ندارد حقوق کارگران در ایران بشدت تضعیف می شود و محدود می گردد .

مسئله اینجاست که انسان چگونه میتواند این وضع را تغییر بدهد . من دوازه می گویم که تغییر شرایط یک کشور از خارج آن کشور غیر ممکن است .

در این میان مطمئنا یک دشواری ویژه اینست که انسانها در ایران تحت سنتهای بسیار قوی مذهبی زندگی می کنند . بر طبق نظر و تجربیات من در سرزمینی که در آن زندگی (انسانها) شدیداً به سنت های مذهبی تعالی دارد برقراری مناسبات دمکراتیک بسیار مشکل است .

(پرس) بمسئول شما من میتوانم چنین

پاسخ بدهم که مطمئنا اتحادیه بمنتهایی بر شرایط ایران ابدانیتواند تأثیری بگذارد . اتحادیه تنها میتواند در چارچوب توافقات و مبانی بین المللی در درون سازمانهای کار بین المللی خواستار پیشبرد (حقوق دمکراتیک) شود . اما چنین خواستی میتواند تنها در مقابل مسئولین سیاسی در ایران گذاشته شود . اینکه آیا مسئولین سیاسی (ایران) در آینده آمادمانند به کارگران حقوق بیشتری بدهند و همچنین حق برپایی اتحادیهها را بدهند و مصالحشان را برآورده کنند ، را بایستی شدیداً مورد سؤال قرار داد .

پیشنش : از اینکه دعوت ما را برای انجام مصاحبه پذیرفتید متشکریم !



ادامه از صفحه ۱

بی سابقه ترین جنگ خیابانی طی یک سال اخیر در انگلستان

کوشید ، این تعداد را از بقیه تظاهر کنندگان جدا سازد که با مقاومت مردم روبرو کردید . بر اثر بالا گرفتن خشونت های پلیس ، سازمان دهندگان تظاهرات سعی کردند با عجله قطعنامه پایانی تظاهرات را قرائت کنند . و این در حالی بود که هنوز صنفوف تظاهرات ، ۶ کیلومتر از محل اعلام قطعنامه فاصله داشت .

تونی بن Tony Benn که خود یکی از اعضای حزب کارگر بود ، اما برخلاف تصمیم این حزب در تظاهرات شرکت کرده بود ، حزب کارگر را مورد انتقاد قرار داد و گفت : " اگر حزب کارگر و اتحادیه ها از این تظاهرات حمایت میکردند ، الان در این محل یک میلیون نفر گرد آمده بودند . " و افزود : " بسایند سیاست مالیات سرانه دولت از طرف همه شهروندان با یکصوت و تحریم روبرو گردد . "

در یک همه پرسی که روز ۲۴ مارس بوسیله روزنامه Sunday Correspondent به انجام رسیده ، ۲۲ درصد مردم انگلیس یعنی تعداد ۸ میلیون نفر ، پرداخت این مالیات را تحریم کرده اند .

شدند . ماشینهای پلیس با سرعت بسیار زیاد بداخل صنفوف جمعیت یورش آوردند و پلیسهای سوار بر اسنیزیدون هیچگونه توجهی ، جمعیت را به زیر گرفتند . در این میان ۱۰۰ تن شدیداً زخمی شدند و بیش از ۳۰۰ نفر بوسیله گروه های ضربت پلیس دستگیر و روانه زندانها شدند . زد و خورد و جنگ خیابانی بین پلیس و گروههایی از تظاهر کنندگان تا آخر شب ادامه یافت . در این میان چند محل به آتش نشیده شدند ، سیستمهای مغازه ها سخته شد و اماکن و فروشگاهها بهم ریخته شدند .

لازم به توضیح است که " حزب کارگر " شب قبل از تظاهرات از " تشکلهای ضد مالیات سرانه " کنار گرفته بود و سیاستمداران حزبی که بصورت فردی در این تشکلهای بامی مانده اند ، از مقامات حزبی برکنار شده اند .

★ بر اساس این قانون هر فرد انگلیسی ناگزیر به پرداخت مالیاتهای بیشتری به دولت میباشد . بعنوان مثال هر فردی که در آکسفورد زندگی میکند میبایستی هر هفته ۱۳ پوند (حدود ۳۵ مارک) مالیات بپردازد . این مالیات برای یک خانواده چهار نفری حدود ۱۷۰۰ مارک در سال بالغ میشود .



آنتی کمونیسم خارجی ستیزی و اقتدار دولت، این است اساس برنامه REP

ضرورت کسب شناخت همه جانبه و کامل از گروههای نژاد پرست و نئوفاشیست که جزو آشکارترین و هارترین دشمنان ما پناهندگان و مهاجرین به شمار می آیند، امری است واضح و نیازی به توضیح ندارد. اگر هم مسئله ای باید توضیح داده شود این است که چرا در نشریات فارسی زبان - حتی در نشریاتی که مخاطبین خود را پناهندگان و مهاجرین می دانند - تا این حد کم درباره جریانات و احزاب نژاد پرست و فاشیست و اهداف، برنامه ها و عملکرد اجتماعی ایشان گزارش داده می شود. به نحوی که عسده کثیری از مهاجرین و پناهندگان ایرانی که به اندازه کافی با زبانهای خارجی آشنایی ندارند، قطعاً نخواهند توانست با مطالعه نشریات فارسی زبان تصویر کامل و همه جانبه ای از اهداف، مبانی برنامه ای و عملکرد این گروهها بدست آورند.

با توجه به این کبود است که مقاله حاضر قصد دارد به طور مختصر بخشی از مبانی برنامه ای و اهداف بزرگترین و نیرومندترین حزب نژاد پرست و نئوفاشیست آلمان یعنی حزب جمهوری خواهان آلمان (Republikaner) را معرفی نماید.

این حزب جریانی نوپاست که در سال ۱۹۸۳ تأسیس شده. رهبر آن شون هور عضو سابق ارتش نازی است.

این حزب در چند سال اخیر رشد چشمگیری داشته و موفقیت های آن در انتخابات مجلس آلمان موبد این واقعیت است. تعداد اعضای این حزب در حال حاضر بر ۱۵ هزار تن بالغ می شود اما رقم علاقه مندان به سیاستها و نظرات آن به مراتب بیشتر است.

به نحوی که جمهوری خواهان در انتخابات پارلمان اروپا در سال ۸۹ حدود ۷ درصد آراء را به خود اختصاص دادند.

در نگارش مقاله حاضر از مطالب مندرج در نشریه "der Rechte Rand" شماره ۵ مورخ فوریه ۱۹۹۰ استفاده شده است.

☆☆☆☆

آنتی کمونیسم، خارجی ستیزی و اقتدار دولت، این است اساس برنامه "Rep"

به مناسبت سالروز تشکیل "Rep" (جمهوری خواهان) در تاریخ ۱۴ و ۱۵ ژانویه، ۱۳۰ نفر از نمایندگان این جریسان در شهر رزن هاید بایرن گرد آمدند تا برنامه جدیدی را با وارد نمودن اصلاحاتی در برنامه قدیم این حزب، به تصویب برسانند.

این اصلاحات در مقایسه با برنامه قبلی این حزب بنا به گفته شون هور (رئیس Rep) بیش از هر چیز در شکل و نحوه فرمول بندی آن می باشد.

در اواخر سال ۱۹۸۹ به منظور انطباق برنامه این حزب با ملزومات رشد آن، پیش نویس ۶۰ صفحه ای از طرف کمیته ای از ایدئولوگها "Rep" تنظیم شده بود. این پیش نویس یا انگیزه تدوین برنامه جدیدی برای "Rep"، در دستور کار گردید هم آبی مذکور قرار گرفت.

در این پیش نویس، بخشهایی که به نحو عریانی یاد آوریدند لوزی نازیسم هستند، از جمله خواسته های "کسب یک پارچگی ملیت آلمان، سلاستی نژادی آن و محیط جغرافیائی اش" که در برنامه سابق این حزب وجود داشت، با شعبده بازی قلم گرفته شده اند. در طول بحث هایی که در این گرد هم آبی صورت گرفت، بخصوص از طرف شون هور بر تدقیق برنامه جدید و رعایت محکم کاری در نوع فرمولبندی و بیان آن با قانون اساسی آلمان تأکید گشته است.

جمهوری خواهان احیاء و بازسازی دوباره آلمان را نقطه اصلی سیاست خود بیان می کنند. آنها با تبلیغ و ترویج ناسیونالیسم آلمانی و انکشت گزاردن و دامن زدن به تملیلات واپس، گرایانه ملی گرای آلمان، درصددند تا پایگاه اجتماعی خویش را در جامعه گسترش دهند.

"آلمان متحد آینده در جهت برقراری و استحکام صلح در اروپا گام خواهد برداشت، حل مشکلات جهان را امکان پذیر می سازد، یک رشد دوباره اقتصادی را همراه با ریشه کن کردن بیکاری تحقق خواهد بخشید."

این افقی است که حزب فاشیستی "Rep" با تکیه بر ناسیونالیسم گسترش یابنده در جامعه آلمان در مقابل آلمانی ها قرار میدهد.

به سادگی در پشت عبارت "آلمان متحد" و سیاست های بغایت ناسیونالیستی جمهوری خواهان می توان تمایلات استبداد گرایانه و تجاوزکارانه آنها را تشخیص داد. چنانچه در برنامه جمهوری خواهان، نقشه جغرافیائی از آلمان مورد نظر است که در اصل همان نقشه آلمان بزرگ سال ۱۹۳۹ مورد ادعای فاشیست هاست. از طرف جمهوری خواهان این نقشه "موقعیت حقوق خلقهای آلمان" نامگذاری شده است.

به تصور آنها، در سال ۱۹۴۵، این نه کشور آلمان بزرگ بلکه تنها شکل ظاهری و نمود آن است که تخریب گشته است. نقشه مورد نظر آنها، منطقه "جنوب آلمان" در چکسلواکی، Memelland

در شوروی، پروس شرقی و غربی (بخشهای واقع در لهستان و شوروی) و نیز سایر مناطقی که بخشی از آنها در مرز "Oder-Neiße" (مرزهای آلمان شرقی و لهستان) می باشد،

را در بر می گیرد. جمهوری خواهان به منظور تکمیل نقشه سال ۱۹۳۹، مسئله پیوند اتریش به آلمان را نیز به بحث گذاشته اند و این در حالی است که طبق قرارداد دولتی اتریش-تاریخ

۱۹۵۵/۵/۱۵، هر گونه پیوند و یا الحاق بین اتریش و آلمان ممنوع اعلام شده است. اما بنا به ادعای جمهوری خواهان، این قانون برای بعد از جنگ جهانی دوم اعتبار داشت.

آنها هم چنین خواهان پیوند دولتهای "Benelux" (i) به آلمان هستند.

در پیش برد برنامه ناسیونالیستی و توسعه طلبانه جمهوری خواهان دو طرح از طرف عناصر آن مطرح شده است و هر دوی آنها از طرف حزب مذکور پذیرفته شده اند. یکی از این دو طرح کسه به اطلاعاتی رزن هاید معروف است، توسط خانم یوهنا گروند تنظیم

آنتی کمونیسم خارجی ستیزی و اقتدار دولت، این است اساس برنامه REP

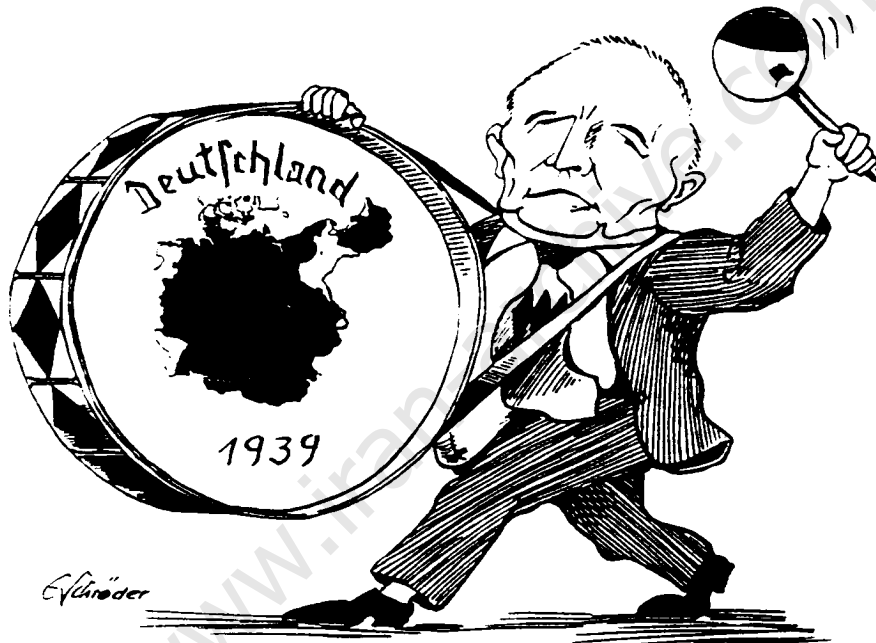
آلمانی از اقدامات خونین گذشته اش، موضوع "فنگ زدائی" از تاریخ گذشته آلمان را به پیش می کشند. آنها اعلام کرده اند که دیگر حاضر به پذیرش و تن دادن به این سیاست که آلمانی ها اعمال ضد بشری مرتکب شده این دوران را به عهده بگیرند، نیستند. و روشن است که قصد جمهوری خواهان از همه این تشبیهات تطهیر سیاستهای امپریالیستی آلمان در دوره فاشیسم و هم چنین پس از آن می باشد.

تون هوبر در سخنرانی های خود در نقاط مختلف اعلام کرده است که "جمهوری خواهان از این به بعد در قبال "تحقیق" آلمانی ها بحاضر تاریخ گذشته شان" خواهند ایستاد هم اکنون

شده است. وی قبلا به عنوان سردبیر "شلزیر" و نیز معاون نماینده ایالتی جمهوری خواهان کار می کرده است. طرح دیگر معروف به طرح آلمان سال ۹۰، بوسیله رلف شلیپر که چندی پیش بعنوان عضو ارتجاعیون راست دفتر نظارت مرکز دانشجویی، با رسوایی هر چه تعاضر اخراج شده بود، تسدوین شده است.

هدف هر دو طرح، تشکیل یک آلمان بیطرف، مسلح، دارای مجلس شورای ملی، یک رهبریت واحد، یک دولت مقتدر مرکزی و یک صدراعظم می باشد.

یوهنا گروند خیلی روشن فرموده می کند که مناطق شله زی بین



G. Linder

دیگر دوره قصیده سرایی برای تربیت دوباره آلمانی ها به پایان رسیده است. و یا در جایی دیگر مثلا "در نطقی بر علیه هاننبر کالینسکی عضو شورای مرکزی یهودیان می گوید: "کالینسکی باید دیگر ما را آسوده بگذارد و از بد نام کردن وطن پرستان آلمانی بپرهیزد. ما دیگر اجازه نمی دهیم تحقیرمان کنند."

ولی با یک نگاه به روی سیاست داخلی برنامه جمهوری خواهان می توان پی برد که نه تنها زدودن "آلودگی" از دامن ناسیونالیسم آلمان بخاطر گذشته خونین اش، ممکن نیست، بلکه این "آلودگی" تمامی تاروپود ناسیونالیسم امروزی آلمان را در خود غرقه دارد.

بطور کلی سه نکته محوری در برنامه جمهوری خواهان وجود دارد، این نکات از این قرارند:

۱- دولت مقتدر: به زعم آنان یک دولت با آتوریه باید در داخل جامعه برای ایجاد "نظم و قانون" تلاش کند. به این منظور جمهوری خواهان خواستار رشد هر چه بیشتر نیروی پلیس، اعتقاد به قانون اساسی و جلوگیری از حملات مختلف بر علیه قانون اساسی، و نیز تشدید میزان مجازات ها می باشند.

"Schlesien" منطقه Pommern، پروم شرقی و غربی باید از تملک دولتهای منطقه ای لهستان و شوروی خارج شده و به دولت آلمان واحد الحاق شوند. این امر البته آلمان شرقی را نیز در بر می گیرد. بعد از آن نیز آلمانی نژادها باید از سایر نقاط به این مناطق مهاجرت کنند.

این آلمان بزرگ بنا به عقیده رئیس جمهوری خواهان در بایرن و نیز سخنگوی حزبی "Rep" بنام Harold Neubauer بایستی در زمینه تسلیحاتی از حقوق برابر برخوردار باشد. این امر از نظر نوی بانییر به این معناست که "ما بدون تسلیحات گسترده و مخرب اتمی، بیولوژیکی و شیمیایی، خلقی از درجه پائین خواهیم بود." حداقل تا زمانی که دیگران این سلاح ها را در تملک دارند. شون هوبر، این شونیسمت لجام کسخته را "وطن دوستی دمکراتیک" می نامد! البته نباید این امر را در ایدئولوژی جمهوری خواهان از نظر دور داشت که همواره "وحدت آلمان" در نظر آنها به معنی آوردن سایر آلمانی ها به زیر سلطه "BRD" است.

جمهوری خواهان به منظور تجربه نمودن ناسیونالیسم هاسار

گزارش برگزاری جلسه اطلاعاتی پیرامون قانون خارجی ها

برای پناهندگان و مهاجرین به همراه دارد ترسیم نمود صحبت‌های وی به وسیله یکی دیگر از رفقا به زبان فارسی ترجمه می‌شد . در قسمت آخر برنامه نیز "انگسترس" به سوالات حاضرین ، چه در زمینه قانون خارجیها و چه در زمینه‌های دیگری که به مسائل پناهندگان و مهاجرین مربوط می‌شد ، پاسخ داد .

دوستان ماهنامه *Unsere Stimme* (۱) نیز که از مدت‌ها پیش همکاریهایی را با کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران آغاز نموده‌اند در این جلسه شرکت فعال داشتند و دو خبر در رابطه با اعتراضاتی که بر علیه قانون خارجیها در حال سازماندهی است ، در اختیار حاضرین قرار دادند . یک از این خبرها پیرامون دعوت به تظاهراتی بر علیه این قانون بود که قرار است در ماه مه در هانوفر برگزار گردد . دیگری خبر آسین سراسری در برلین بود که قرار است توسط گروه‌های مختلف بعد از توافق بر سر چگونگی و شکل آن در ماه مه سازماندهی شود . اطلاعات دقیقتر درباره این اخبار را بعداً در اختیار خوانندگان گرامی خواهیم گذاشت . ●●●

(۱) ماهنامه *Unsere Stimme* ("صدای ما") به زبانهای آلمانی و ترکی منتهی می‌شود . برای اطلاع بیشتر از این ماهنامه ، به صاحب "پویش" با یکی از اعضای هیئت تحریریه این نشریه که در شماره "پویش" بچاپ رسیده است ، مراجعه کنید . ★★

در تاریخ ۶ آوریل یکی از وکلای مترقی آلمانی بنام H. Joachim Engster در سالن F128 ساختمان اصلی دانشگاه هانوفر اطلاعاتی را پیرامون قانون خارجیها در اختیار حدود ۷۵ نفر از ایرانیان و آلمانیها قرار داد .

در این جلسه که به دعوت کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران برگزار شده بود ، ابتدا یکی از رفقای کمیته ضمن خوش آمدگویی به حضار ، سخنانی درباره روند محدود شدن بیشتر از حقوق پناهندگان و مهاجرین مقیم آلمان در چند سال اخیر بیان کرد و خاطر نشان نمود که ارائه پیش‌نویس قانون خارجیها نیز در ادامه همین روند و برای رسمیت یافتن و قانونی شدن همه این بی حقوقی هاست . وی سپس ضمن اشاره به تاریخچه‌های از پیش‌نویسها پس از سال ۱۹۸۸ تا کنون ارائه شده و عدم تصویب این پیش‌نویسها به دلیل مخالفتها و مبارزاتی که بر علیه آنها انجام شده ، به آسینوها و تظاهراتی اشاره نمود که در چند ماه گذشته در شهرهای مختلف و از جمله در هانوفر بر علیه تصویب پیش‌نویس اخیر صورت گرفته است . وی در پایان ضرورت مبارزه هدفمندتر و پیگیرتر بر علیه تصویب این پیش‌نویس و ناکافی بودن مبارزات تاکنونی بر علیه آن را خاطر نشان ساخت . پس از آن "انگسترس" تصویر عمومی‌ای از پیش‌نویس جدید قانون خارجیها و توضیح حقوقی که تصویب این پیش‌نویس

ادامه از صفحه ۱۵

آنتی کمونیسم خارجی و اقتدار دولت...

افشاکاری های وسیعی از طرف مخالفین "Rep" بر علیه جمهوری خواهان صورت گرفته است . یکی از این افشاکاری‌ها مسئله مخالفت برنامه ای جمهوری خواهان با قانون اساسی آلمان می‌باشد .

به همین منظور و به دلیل مشروعیت بخشیدن به اهداف و سیاستهای برنامه‌ایشان در چهار چوب قانون اساسی آلمان ، این بار جمهوری خواهان "قانون گرا" شده اند . در همین راستا مکرراً در طول کرد هم آبی ماه ژانویه این جریان ، بر سر رعایت کامل محکم کاری در تنظیم برنامه و همزنک نمودن آن با قانون اساسی تاکید کشته است .

شون هوربدرین جهت ، دوتن از کارشناسان خود بنامهای کلاوس هارتل (کارمند اداره کل حفظ قانون اساسی در کلن) و گرت فلد مایر (دادستان و یکی از عوامل اصلی جمهوری خواهان در هین) را در تنظیم این برنامه بکار گماشته بود . تا هرچه بیشتر رنگ و لعاب قانون اساسی آلمان را به برنامه حزب بزنند .

زیر نویس

۱- منظور دولتهای کشورهای لوکزامبورگ - هلند - بلژیک می‌باشند .

۲- آنتی کمونیسم : جمهوری خواهان با آنتی کمونیسم خصمانه در برنامه خود چهره "یک دشمن داخلی را از کمونیسم می‌سازند . این آنتی کمونیسم در برنامه چنین طرح می‌شود: " ما جمهوری خواهان ضد کمونیست هستیم و ضد کمونیست باقی خواهیم ماند . . . در عرصه سیاست داخلی ، تمام نیروی خود را در جهت مبارزه با کلیه تلاشهایی که منجر به احیاء کمونیسم در هر فرم و رنگی گردد ، بکار خواهیم گرفت ."

در برنامه از اتاتورک به عنوان بنیانگذار دولت ترکیه تقدیر می‌شود چرا که او شدیدترین اقدامات را بر علیه کمونیستها بکار می‌گرفت ، حتی تا حد دست زدن به اقدامهای جمعی و گسترده ! البته شون هورب ناگزیر است صلحتاً بیان کند که جمهوری خواهان طرفدار اقدامهای دست جمعی اتاتورک نیستند . سخنگوی مطبوعاتی وی این آنتی کمونیسم رازمانی که حتی عضو جمهوری خواهان نبود چنین بیان کرد : " هر کمونیست از نظر فکری یسک جنایتکار و بطور بالقوه یک قاتل است . به کمونیست باید قسط اجازه داشتن آن مقدار فضای حرکتی را داد که به یک تار مو بسته است ."

۳- دشمنی با خارجی ها : جمهوری خواهان بیش از ضدیت با کمونیسم ، ضد خارجی بوده و وجود غیر آلمانی ها در آلمان را - تقبیح می‌کنند . به اعتقاد آنها ، آلمان متعلق و برای آلمانی هاست و غیر آلمانی ها باید از آنجا بیرون بروند .

شرکت در انتخابات حق مسلم مهاجرین و پناهندگان است

گسترش کم سابقه درگیریهای رژیم با نیروهای محلی در
بلوچستان

از زمستان سال ۶۸ تا کون، درگیریهای شدید و متناوبی بین عسایر بلوچ و نیروهای ژاندارمری، گیتند و سپاه پاسداران به وقوع پیوسته است.

چنانکه اوایل زمستان سال گذشته در یک درگیری شدید، عسایر بلوچ موفق شدند ۹ تن از مزدوران رژیم را به هلاکت برسانند. رژیم ب تلافی این شکست مفتضحانه خود، دو بلوچ را به جرم درگیری با مزدوران سپاه در روز ۱۵ فروردین ماه ۶۹ به دار آویخت.

در هفته‌های اول فروردین ماه نیز در یک درگیری بین نیروهای ژاندارمری و عسایر بلوچستان در جاده زاهدان - بم، ۱۰ تن از مزدوران رژیم با محاسره جنگجویان بلوچ، ۴ تن از آنها را کشته و ۵ نفر دیگر را نیز دستگیر کردند.

اخیراً نیز، طی درگیری که بین نیروهای رژیم و افراد مسلح بلوچ، از ساعت ۴ بامداد روز شنبه ۲۳ فروردین ماه (۱۲ آوریل) روی داد، نیروهای رژیم بوسیله هلی کوپتر توپ دار و بستنیانی واحدهای زمینی، به چند دهکده حمله کردند و مظنه "رود ماهی" و "دانه باغی" که به مخالفت با رژیم در منطقه مشهور شده‌اند را مورد حملات پیاپی خود قرار دادند و عده‌ای از اهالی منجمله تعدادی از سالخوردگان را کشتند. در این درگیری ۱۴ تن از مردم بلوچ کشته شدند.



اشاره شده است.

اخبار ایران، پناهندگان و جهان

تروریستهای جمهوری اسلامی بار دیگر در استانبول جنایت آفریدند

حسین میر عابدینی یکی از فعالین مجاهدین خلق، در یکی از بزرگراه‌های حومه استانبول مورد سوء قصد عوامل رژیم واقع شد و به شدت مجروح گردید.

تروریستها بعد از مسدود کردن راه عبور اتوبوس این فرد، بسوی او آتش کشیدند و او را از ناحیه شکم به شدت مجروح ساختند. حال وی بسیار "وحیم" اعلام شده است و حتی بنا به گزارشهای تأیید شده‌ای بر اثر شدت جراحات جان خود را از دست داده است.

تروریستهای دولتی میر عابدینی را اشتباهاً به جای محمد سید محدثین که یکی از مسئولین بخش سیاسی مجاهدین است مورد حمله قرار داده‌اند. راد یو جمهوری اسلامی نیز در اخبار ساعت ۱۴، دوم فروردین ماه بجای ترور عابدینی از شخص دیگری نسام برد. و گزارش داد که سید محدثین را بک گروه اشعاعی از سازمان مجاهدین به قتل رسانده‌اند.

پس از پخش این خبر، راد یو مجاهد با محمد سید محدثین صاحبیه ای انجام داد و معلوم شد که عوامل رژیم اشتباهی به جای وی میر عابدینی را ترور کرده و خبر آنرا به راد یو دولتی ایران ارسال نموده‌اند.

به این خبر در روزنامه دولتی کیهان (۵ فروردین ۶۹) نیز

آدمیرال جان پویند کستر در ماجرای "ایران گیت"

محکوم شناخته شد.

در جریان محاکمه‌ها که مدت ۳ سال به درازا کشیده است، آدمیرال پویند کستر معاون امنیت ملی (سایر) رکنان در تمامی موارد محکوم شناخته شد.

کلاً محاکمه متهمین این ماجرا، ۳۰ سال ب طول انجامید که ۸ متهم تاکنون به حیرت تعلیقی و پرداخت مالی پسر محکوم شده‌اند. نکته مهم این است که در طول این سه سال کنگره آمریکا همواره تلاش کرده است تا نقش ریگان و معاون آنزمان او (جورج بوش رئیس جمهور شونی آمریکا) در جریان این محافه، از پرده بیرون نیفتد و از افکار عمومی در رسانه‌های جمعی پوینده نگه داشته شود.

مجازات پویند کستر که روز یازدهم یونسی تعیین خواهد گردید، میتواند ۲۵ سال زندان و یک میلیون و دویست و پنجاه هزار دلار جریمه نقدی باشد. جالب توجه است که جرج بوش رئیس جمهور آمریکا، میتواند در ماه یونی (روشن) برای نخستین احتمالاً پویند کستر تصمیم بگیرد و به احتمال زیاد

حداکثر مجازات پیراتب سیکتری برای او تعیین خواهد شد. لازم به یاد آوری است که ماجرای "ایران گیت" پر از افشای روابط پنهانی جمهوری اسلامی با مقامات آمریکایی فاش شد.

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

دیدارهای مکرر سران رژیم با نیروهای سرکوب دولتی

در نشریه پویش شماره ۵۰، اخباری از پاره ای از دیدارهای - سردمداران رژیم با نیروهای سرکوب دولتی و هم چنین فراخوانهای آنها جهت آمادگی این نیروها برای مقابله با اعتراضات توده ای را به چاپ رساندیم .

در استمرار این جنب و جوشها و تک و تابها و به منظور ایجاد آمادگی بیشتر نیروهای سرکوب گر رژیم در مقابل گسترش حرکات اعتراضی، در روز ۲۷ اسفند ماه ۶۸ نیز رفسنجانی، دو باره دیدار یکی از " پرسنل لشکر حفاظت (گارد حفظ امنیت و حفاظت از سردمداران رژیم) سپاه پاسداران " و دیگری از " دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران " به عمل آورد .

رفسنجانی در جمع " پرسنل لشکر حفاظت سپاه پاسداران " ضمن تقدیر از تلاشهای آنان برای حفظ نظام جمهوری اسلامی و امنیت سردمداران رژیم بر ضرورت استفاده آنها از روش های علمی (بحوان آموزشهای سرکوب و ضد شورش با استفاده از آخرین تجارب و متد بدست آمده از طرف نیروهای ضد انقلابی در سراسر جهان) در مسائل حفاظتی تاکید کرد .

رفسنجانی در این دیدار گفت: دشمنان انقلاب از آغاز نشان دادند که ۰۰۰ در صدد از هم پاشیدن نظام ۰۰۰۰ هستند ۰۰۰۰ وی به " لشکر حفاظت سپاه پاسداران " برای مقابله با " دشمنان انقلاب " توصیه کرد که " با استفاده از روش های علمی با رموز حفاظت آشنا شوند و این شغل مقدس را با همه زوایای خود بیاموزند " .

رفسنجانی هم چنین در " دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران " ضمن تاکید بر اهمیت نقش نیروهای سپاه پاسداران کمیته و نیروهای بسیج " در حفظ امنیت و آرامش کشور " اضافه نمود که " با فداکاریهای همین نیروهای با ایمان بود که کشور از شر جریانهای مرموز چپ و راست رهائی یافت و کودتاها و خیانتها ی دشمنان اسلام رفع گردید " .

رفسنجانی به این نیروها هشدار داد تا آمادگی خود را در برابر هر گونه توطئه ای " حفظ کنند " .

توافق نامه ۱۳ میلیارد دلاری ایران و ایتالیا

اخیراً يك هیأت جمهوری اسلامی از ایتالیا دیدار کرده و یادداشت تفاهمی برای همکاری صنعتی و اقتصادی مشترك بسا دست اندرکاران ایتالیا بالغ بر ۱۳ میلیارد دلار (برای ۵ سال آینده) به امضا رسانده است . دولت ایتالیا همواره بخاطر امنانات و منابع طبیعی ، بازار

وسیع و نیروی کار ارزان ایران و همچنین بخاطر موقعیت ایران در منطقه خلیج فارس ، رابطه حسنه ای با رژیم جمهوری اسلامی داشته است . چنانکه دولت ایتالیا تنها دولت اروپای غربی بود که يك مقام حکومت اسلامی در سطح نخست وزیر در دوره نخست وزیری موسوی رسماً از آن کشور دیدار نمود و با دولتمردان این کشور در خاک ایتالیا به گفتگو نشست . هم اکنون نیز ایران دومین کشور صادر کننده نفت به ایتالیا میباشد .

صدور گاز ایران

به شوروی

با امضاء توافقنامه ای بین مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران و نماینده دولت شوروی از روز ۲۰ فروردین ماه سال ۶۹، روزانه ۸ میلیون متر مکعب گاز ایران به شوروی صادر میشود ، گاز صادراتی از پالایشگاه گازکنگان به مرز آستارا منتقل و در آنجا به شوروی تحویل داده میشود .

دست اندرکاران ریه جمهوری اسلامی در باره قیمت فروش گاز به شوروی حتی بعد از امضاء این توافقنامه نیز سکوت نموده اند .

بودجه ترمیم خرابیهای جسد

کاهشش یافت

بر خلاف ادعاها و تبلیغات رژیم در بودجه سال شصت و نه، اعتبارات مربوط به ترمیم خرابیهای حاصل از جنگ ایران و عراق و صرحهای بازسازی، کاهش چشمگیری داشته است و به ۱/۲ میلیارد دلار محدود شده است . این بودجه در مقایسه با سال گذشته حدود ۲۰ درصد کاهش داده شده است . این در حالی است که بنا به اعتراف معاون رفسنجانی (حمید میرزاده) ، تنها برای بازسازی شهرهای ویران شده در اثر جنگ ، سازمانهای مجری طرح ها به حداقل ۹ میلیارد دلار بودجه نیازمندند . و فقط برای بازسازی شهرهای خرمشهر و آبادان به بودجه ای برابر ۴/۳ میلیارد دلار نیازمند میباشند .

کسری بودجه سال ۶۹ از ۲۲ میلیارد دلار گذشته

در بودجه سال جاری میزان هزینهها به ۷۹/۹ میلیارد دلار و میزان درآمد ۵۷/۳ میلیارد دلار برآورد شده است . به این ترتیب رقم کسری بودجه مذکور به ۲۲/۶ میلیارد دلار بالغ میگردد . و این بدین معناست که علیرغم ادعاهای رژیم مبنی بر کاهش کسری بودجه، این کبودجه تازه نسبت به سال گذشته نیز ۱۹ درصد افزایش یافته است .

اخبار اعتصابات و تظاهرات کارگری و توده ای در ایران را به اطلاع جهانیان برسانیم !

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

مقاومت متقاضیان پناهندگی در برابر حمله فاشیستها

نشریه Rote Fahne خبر میدهد که :

در تاریخ ۹ مارس بین ساعت ۱۲ و ۱۱ شب حدود ۵۰ تن از فاشیستها (Skinheads) به نمای (خوابگاه) متقاضیان در شهر " اسن " حمله کردند . آنها یک جوان پناهنده را مورد ضرب و شتم قرار داده و مجروح نمودند . تمام بچه‌ها را بستند و مکت‌ها را به آتش کشیدند . در این میان زنان و بچه‌های پناهنده با چارو و دمپایی سجاغانه از خود دفاع نمودند و مهربانانه به تهاجم متقابل بر علیه فاشیستها دست زدند . در این اثناء چند تن از همسایگان آلمانی هاید پناهندگان ، به پیس خیر دادند . پلیس در محل حادثه حاضر شد و چند تن از فاشیستها را دستگیر نمود . همچنین همسایگان آلمانی مصد دارند تا جریان محاکمه فاشیستها را در نظر داشته باشد تا اطمینان حاصل کنند که فاشیستها به مجازات ساجسته این عملشان خواهند رسید .

تظاهرات زنجیره ای بر علیه قانون خارجی ها

در شهرهای آلمان

روز شنبه ۳۱ مارس در سه شهر بزرگ آلمان مونیخ ، هامبورگ و برلین ، دهها هزار نفر به اعتراض به قانون جدید خارجی ها به خیابانها آمده و بر علیه این قانون تظاهرات نمودند . این بزرگترین و در عین حال زنده ترین تظاهراتی بود که این سه شهر در ماههای اخیر به خود دیده بودند .

تظاهر کنندگان در مجموع خواستار کسب حقوق بیشتری برای خارجیان شدند و کسب حق شرکت در انتخابات شهرداریها را بعنوان اولین قدم برای رسیدن به این حقوق عنوان نمودند . نیروهای دعوت کننده به این تظاهرات در این سه شهر متفاوت بودند . در حالیکه در مونیخ تحت شعار " ما هم مردم هستیم " اتحاد وسیعی از احزاب و سازمانهای مثل SPD ، سبزها ، اتحادیه‌ها ، کلیساها و همچنین تشکیلاتهای مختلف مهاجرین و پناهندگان شکل گرفته بود ، در برلین نه تنها SPD بلکه پاره‌ای از گروههای آنارمیست نیز نسبت به این تظاهرات برخورد منفعلانه و پاسیوی داشتند . اما با وجود این در برلین گروهها و دسته جات تروتسکست شدند ، برای اولین بار بر اختلافات گروهی خود غلبه کرده و با فراخوان مشترکی متضاداً متحداً تظاهرات ضد قانون خارجیها را سازماندهی نمایند . اتحادیه IG Metall و GEW نیز از جمله نیروهای بودند که به تظاهرات پیوستند .

در هامبورگ نیز بیش از ۹۰ گروه و سازمان آلمانی و غیر آلمانی ، مردم را به تظاهرات بر علیه قانون خارجیها فراخواندند . بودند . در مجموع شرکت دهها هزار نفر در این سه تظاهرات ، توانست تأثیر زیادی بر روی افکار عمومی و جو این شهرها بگذارد و مردم را به این حقیقت متوجه کند که مخالفان این قانون ضد انسانی در آلمان بسیارند .



بسی خانمانسی در آمریکا

بسی از دستاوردهای دولت "متدن" آمریکا ، مزاینده بی خانمانی و بی سرانهایی است که نتیجه آسانسی برای در اختیار داشتن محلی برای زندگی ندارند و مجبورند ، سیها را در محروبه‌ها ، پارکها ، و یا ایستگاههای مترو ، به سر آوردند .

با به تخمین ، تعداد این بی خانمان بین ۷۵۰۰۰ تا ۳ میلیون نفر میباشند . در دوره ریاست جمهوری ریگان ، بودجه خانه سازی ۷۵ درصد کاهش یافت و عمراً با این کاهش ، گرایه خانه‌ها به نحو سرسام آوری صعود کرد ، این عوامل باعث گردید که بسیاری از زحمتکشان و افرادی که از سطح پائین درآمد برخوردارند ، به صف بی خانمانان بپیوندند و به خیابانها پرتاب شوند . هم اکنون تعداد پیشرو بی خانمان از زنانی تشکیل میسوند که با کودکان خود به تنهایی زندگی میکنند و قادر به تأمین هزینه خود نیستند . تعداد این افراد فقط در شهر واشنگتن در ظرف ۵ سال اخیر ، دو برابر شده است .

★★

د حال آمریکا در امور داخلی کوبا

کپهان ۸ مردودین

احیراً امریالیسم آمریکا به منظور د حال در امور داخلی کوبا ، دست به ایجاد ایستگاه تلویزیونی به نام " تلویزیون مارتی "

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

زده است . مقر این ایستگاه در ایالت فلوریدا ای آمریکا می باشد و کلیه هزینه های آن توسط کاخ سفید پرداخت می شود .

دولت کوبا معتقد است که این ایستگاه تلویزیونی به منظور بسی ثبات کردن اوضاع داخلی کوبا توسط آمریکا سازماندهی شده است و تاکید می کند که واشنگتن با پخش برنامه تلویزیونی در جستجوی بهانه ای برای اجرای یورش نظامی به این کشور است . این دولت با صدور بیانیه ای پخش آزمایشی " تلویزیون مارتی " توسط آمریکا را شدیداً محکوم کرد و آنرا نقض حاکمیت ملی این کشور خواند .

یک سخنگوی راد یو صدای آمریکا گفت که این برنامه بطور آزمایشی پخش می شود تا معایب کار توسط کارشناسان بررسی گردد . قرار است پخش دائمی این برنامه از سال ۱۹۹۱ آغاز گردد . تلویزیون " مارتی " از نام " خوزه مارتی " قهرمان ملی کوبا گرفته شده است .

شکست حزب محافظه کار انگلیس در انتخابات میان دوره ای

" حزب کارگر " انگلیس در یک رکورد بی سابقه بعد از جنگ جهانی دوم تا کنون ، حزب محافظه کار انگلیس را در یک انتخابات میان دوره ای شکست داد .

مهمترین کرسی محافظه کاران که در این انتخابات میان دوره ای از دست رفته است ، از مطمئن ترین کرسی هائی بود که حزب محافظه کار هرگز نگران از دست رفتن آن نبوده است . " سیلویا هیل " نامزد حزب کارگر که این کرسی را در منطقه " استا فورد شایر " تصاحب کرده است پیروزی خود را پیامی به دنیای غرب دانست که حاکی از پایان عصر تاجر نحت وزیر انگلیس است .

قابل ذکر است که دولت محافظه کار انگلستان از روزی که بر روی کار آمده (۳ مارس ۱۹۷۹) تا کنون ، اساسی ترین اقداماتی را که در دستور کار خود قرار داده است حمله شدید و بلافاصله به جنبش کارگری ، اتحادیه های کارگری ، حقوق و دست آورد های این جنبش و به موازات آن عقب راندن انتظارات و خواسته های رفاه عمومی ، محدودیت و یا حذف کمکهای اجتماعی ، بیمه های ، بهداشتی ، خدمات اولیه ، آموزش و پرورش و ... بوده است .

مرگ ۲۴ کارگر
بر اثر
عدم ایمنی کار

بر اساس اطلاعاتی که سخنگوی اتحادیه سراسری تعاونیهای کشاورزی کارکنان کشاورزی (Bunsverband Landwirtschaftlicher Berufsgenossenschaft) در کاسل ارائه داد ، تا کنون ۲۴ کارگر جنگل در جریان پاکسازی جنگلها در اثر طوفانهای اخیر

جان خود را از دست داده اند و ۱۷۰۰ تن به شدت مجروح شده اند .

بر اساس این اطلاعات تنها در بایرن ۱۱ کشته و ۸۰۰ مجروح شده اند . به این ترتیب کمبود امکانات ایمنی کار در ریلی از ثروتمندترین کشورهای جهان ، باز هم منجر به کشته و مجروح شدن دهها کارگر گردیده است .

.....

موفقت رانندگان آمبولانسها در انگلستان

بنا به خبر هفته نامه Rote Fahne (۱۷ مارس ۹۰) ، پس از ۶ ماه اعتصاب ، رانندگان آمبولانسهای انگلیس بالاخره دولت دست راستی تاجر را به عقب نشینی واداشتند . دولت تا جر که در ابتدا تنها پیشنهاد ۶/۵ درصد اضافه حقوق را بکنه رانندگان آمبولانس داده بود اینک وادار شده که دستمزدها را رانندگان آموزش دیده آمبولانس را ۲۲ درصد افزایش دهد .

.....

اعتصاب ۱۰۰ هزار کارگر

پرو

نشریه Rote Fahne مورخ ۲۴ مارس خبر داد که حدود ۱۰۰ هزار تن از کارگران صنایع مختلف پرو برای افزایش دستمزدها به اعتصاب دست زدند . بنا به همین گزارش اعتصاب دو هفته ای کارگران بندر پرو به تنهایی منجر به فلج شدن ۹۰ درصد تجارت خارجی این کشور شده است

تظاهرات ۲۰ هزار کارگر

در ترکیه

بیش از ۲۰ هزار مع کارگر دعوت یک اتحادیه مستقل در صنعت اتومبیل سازی برای تظاهرات بر علیه ترورهای دولتی و همچنین افزایش دائمی میته را پاسخ دادند و در این تظاهرات شرکت نمودند .

.....

در فرانسه ۴۵۰ هزار تن به خیابانها ریختند !

در تاریخ ۳۱ مارس در ۱۰ شهر فرانسه تظاهرات گسترده ای بر علیه طرح مالیاتی جدید و افزایش مخارج پزشکی برگزار شد بر اساس اطلاعات برگزار کنندگان این تظاهرات (از اتحادیه (C.G.T.) در این ۱۰ شهر مجموعاً حدود ۴۵۰ هزار تن به خیابانها ریختند . تظاهر کنندگان همچنین خواستار تعیین حقوق بازنشستگی برای افراد ۶۰ ساله شدند .



دعوت به همکاری

خوانندگان گرامی پویش، فعالین جنبش پناهندگی! رفقا، دوستان! دایره جهانی تبلیغات بورژوازی در قالب خبرنگاران، مفسرین، گزارشگران، نویسندگان و غیره با همکاری وسیع وسایل ارتباط جمعی و استفاده از امکانات بی دریغ سرمایه‌های بزرگ، تمام کوشش و توان خود را بکار می‌برند تا از اهمیت اخبار مبارزات کارگران و توده‌های تحت‌ستم، مبارزه پناهندگان و آوارگان در راه احقاق حقوق خود و تمامی جنبشهای انقلابی و اعتراضی در سراسر جهان متلاطم امروز بکاهند و با تفسیرهای غیرواقعی این اخبار را تا حد امکان به مسائل "پیش‌پا افتاده"، "بی اهمیت" و "حاشیهای" تبدیل سازند.

از دیگر سوی و در انطباق با این عملکرد جهانی بورژوازی و ژورنالهای وابسته بدو، نشریات و ارگانهای رسمی و ارتجاعی اپوزسیون شاه پرست و مشروطه طلب، اسلام پناه و فرصت طلبان گوناگون نیز دست در دست همین دایره جهانی تبلیغ ضد کارگری و ضد دمکراتیک، تمام توان خود را در وارونه جلوه دادن واقعیات به نفع خود، از بزرگ کردن سیمای "وارث تاج و تخت" و منتسب نمودن مبارزات مردم به اصطلاح جانبداری از او و بزرگ نمایی افرادی امثال بختیار تا تطهیر جنایات توده‌های ها و اکثریتی ها و قباای گشاد "دمکرات" پوشاندن به آنان، بکار می‌برند.

بدین ترتیب و در چنین شرایطی، ضرورت انتشار و توزیع سریع اخبار واقعی رویدادها بویژه اخبار جنبش کارگری و مبارزات توده‌های ایران و اخبار مبارزات پناهندگان و مهاجرین و نیز نوشتن گزارش و برجسته کردن آن بخش از اخبار جهانی، که گویای اوضاع واقعی دنیای امروز باشد، به یک وظیفه میم همه کسانی که خود را در قبال جنبشهای اعتراضی و پیشرو مسئول میدانند، تبدیل شده است.

ما را یاری کنید!

همانگونه که میدانید، توان و نیروی ما برای کسب اخبار، استخراج و ترجمه آنها از منابع خارجی زبان و چاپ و پخش اخبار، نسبت به نیروهای واقعاً موجود شما که قابلیت چنین پراتیکی را دارید، بسیار محدود و اندک است. شما با ارسال اخبار دقیق و واقعی از مجموعه رویدادهای محیط زیست و فعالیتتان، با خبرنگاری مسئولانه‌تان، با ترجمه اخبار کارگری و توده‌های و پناهندگی و با گزارش اخبار مهم جهانی از رسانه‌های گوناگون و فرستادن آنها برای ما، این امکان را ایجاد میکنید تا بتوانیم امر رساندن اخبار را وسیعتر و در فاصله زمانی کوتاه‌تری به دست خوانندگان پویش و علاقه‌مندان انجام دهیم و همچنین ترجمه

با پویش همکاری کنید

دعوت به همکاری

اخبار مربوط به مبارزات کارگری و توده ای در ایران به زبان آلمانی را در اختیار رسانه ها و مطبوعات پیشرو آلمانی زبان بگذاریم ، تا در جهت انعکاس مبارزات و اعتراضات کارگران و همه ستم کشان ، وظیفه حداقل و سهم کوچک خود را ادا کنیم .

هم اکنون ما با استفاده از امکانات و نیروی محدودمان ، اقدام به ترجمه برخی از اخبار مبارزاتی کارگران و مردم ایران به زبان آلمانی کرده ایم و در این رابطه خبرهایی از این مبارزات را به زبان آلمانی ترجمه نموده و در نظر داریم آنها را در اختیار رسانه های آلمانی زبان فراردهیم . اما همانگونه که واقفید ، در این راه باید گامهای بمراتب وسیعتری برداشته شود که بدون کمک و همیاری و یآوری شما ، پیمودن آن میسر نیست . ما دست یاری بسوی همه طرفداران مبارزات کارگری و توده ای در ایران و تمامی فعالین جنبش پناهندگی دراز میکنیم و آنها را به همکاری در چنین امری با خود دعوت میکنیم .

در بخش مربوط به اخبار جهان و پناهندگان نیز منابع خبری ما به جز گزارشاتی که از طریق رفقا و دوستان فعال نشریه پویش به دستمان میرسد ، محدود به روزنامه ها و نشریات آلمانی زبان است . اگر دوستان مسادر سایر کشورها امکان ترجمه اخبار نشریات کشورهای ساکن در آنرا دارند ، چه نیکوست با بهره مند نمودن نشریه پویش از آن اخبار ، ما را یاری دهند .

علاوه بر عرصه هایی که برشمردیم ، ما از هرگونه همکاری ای که در چارچوب اهداف و منظور کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران بگنجد ، استقبال میکنیم و صمیمانه دستتان را میفشاریم .

ما در انتظار تماسهای شما از طریق آدرس پستی و شماره تلفن کمیته همبستگی هستیم .

" هیئت تحریریه نشریه پویش "



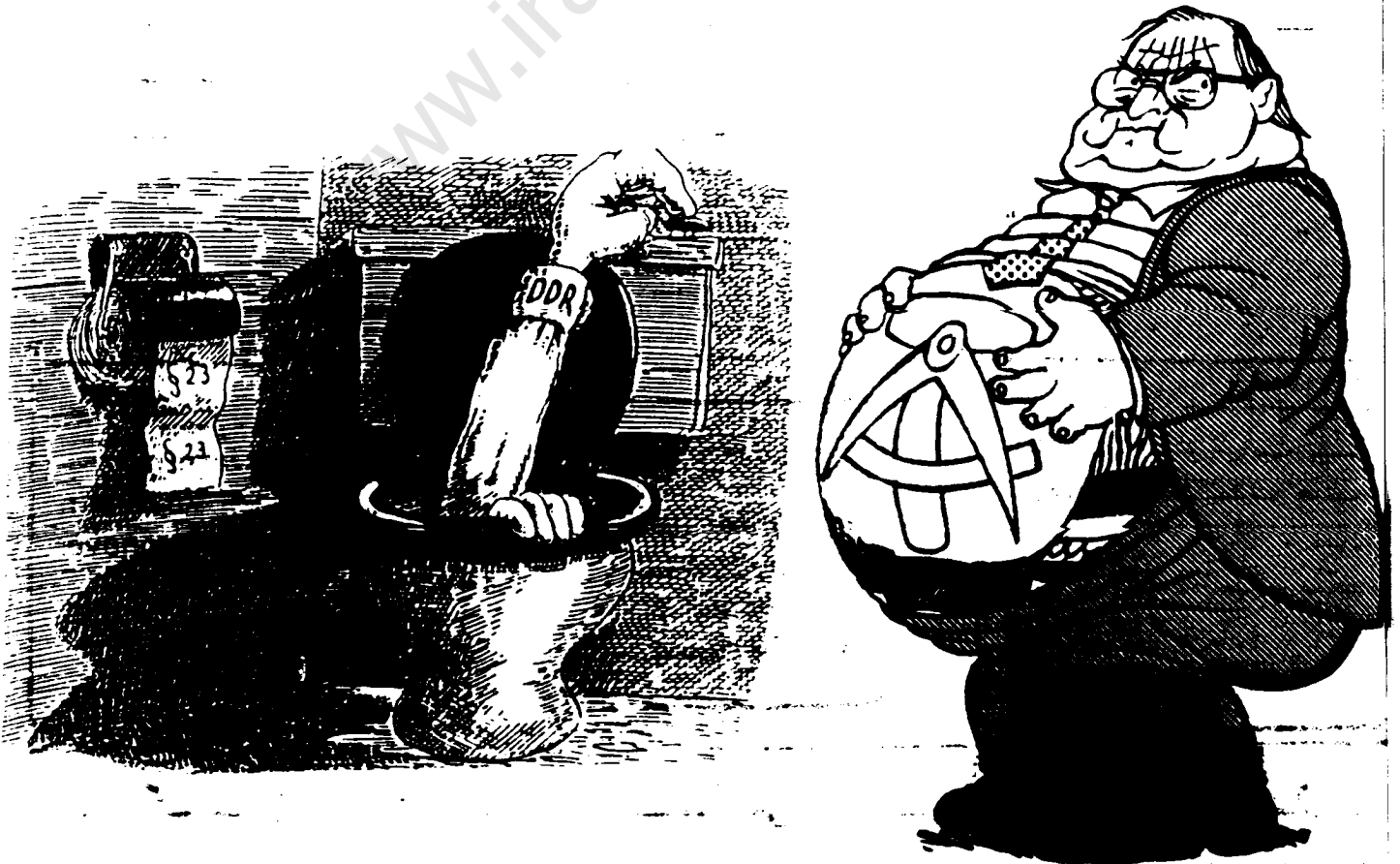
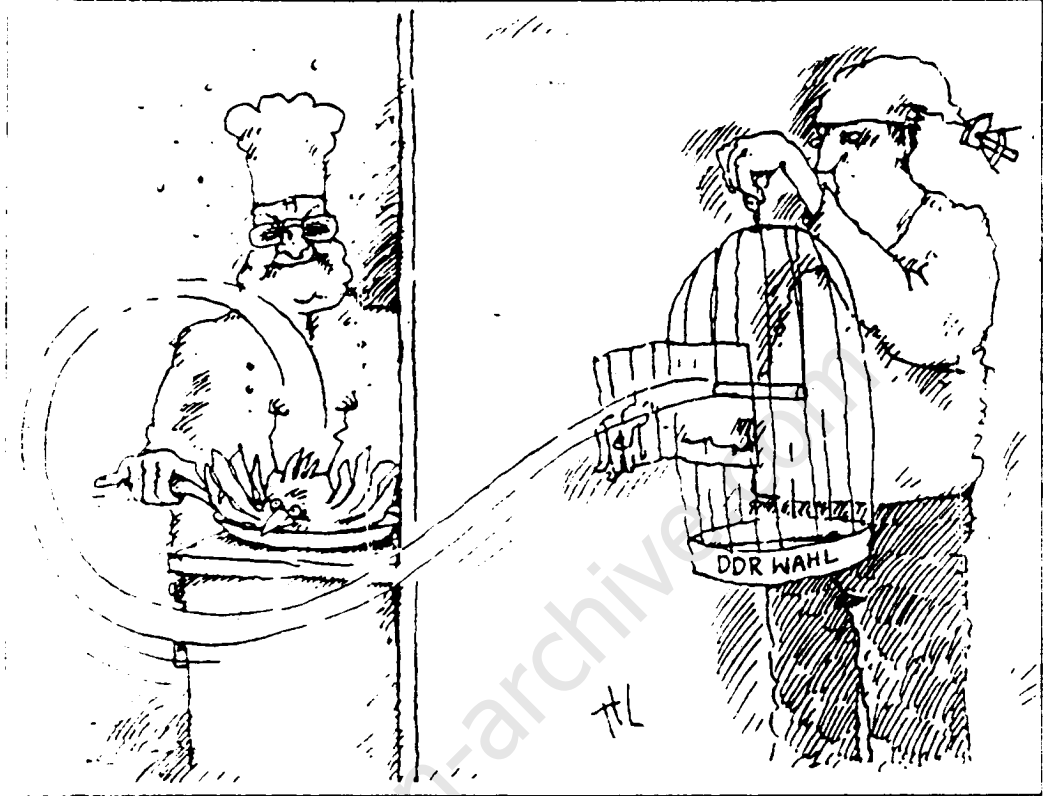
میتوانید مستقیماً با ما در روزهای سه شنبه هر هفته از ساعت ۱۵ تا ۱۸ با شماره تلفن ۷۰۳۹۱۳ تماس بگیرید .
کد آلمان : ۰۰۴۹
کد هانوفر : ۰۵۱۱

امه از صفحه ۶ کدام آلترناتیو " انقلاب یا فرم ؟ "

امروز سرلوحه تمام پلاتفرمهای بورژوازی یا وظایف محوری آنها دفاع از آزادی و " دموکراسی " ، حاکمیت مردم " یا دهها غاوین دیگر میباشد . امروز دموکراسی و آزادی غاوینی است که دشمنان قسم خورده آنها که سالیان سال آزادی و دموکراسی را چه در حکومتشان و چه بیرون از حکومت به سلاخه کشیده اند ورد زبانشان شده است . در شرایط فعلی وظیفه محوری کمونیستها و مدافعین انقلاب پرولتری ، افشای بی امان پلاتفرم ارائه شده از جانب رضا پهلوی در میان کارگران و زحمتکشان و در کنار آن موضع سازمان فدائیان اثریت میباشد .

بابک - فروردین ۶۹

عزیمائی در سانیه وحدت دو آلمان



اخبار ایران

"تظاهرات ضد رژیم در پارک ملت تهران"

در تداوم تظاهرات و ناآرامیهای اخیر در ایران، روز یکشنبه ۲۶ فروردین ماه (۱۵ آوریل) پارک ملت نیز شاهد تظاهرات صدها نفر از مردم تحت ستم ایران و بخصوص جوانان تهران بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بود.

این خبر از سوی روزنامه تایمز لندن و همچنین روزنامه فینگارو چاپ پاریس (در شماره روز سه شنبه ۱۷ آوریل گزارش شده است) روزنامه تایمز لندن علاوه بر تظاهرات واقع در پارک ملت، از زد و خورد های دیگری نیز در سایر نقاط ایران، منجمله محله جوادیه بین مردم و پاسداران صورت گرفته، خبر میدهد. بعد از پخش خبر تظاهرات پارک ملت، نیروهای سرکوبگر رژیم و بویژه مزدوران کمیته واقع در شمیران به سرعت به محل اعزام شدند و به سرکوب تظاهرات و ضرب و شتم جوانان پرداختند. در زد و خورد شدیدی که در این اثنا بین سرکوبگران رژیم و جوانان تهران بوجود می پیوندد، تعدادی از مردم مجروح و حدود ۱۰۰ تن از آنان دستگیر و روانه سیاهچاله های رژیم میشوند. یکی از روزنامه های دولتی "ابرار" به خبر دستگیری دهها تن از تظاهرنندگان پارک ملت اعتراف کرده است. این روزنامه دستگیرندگان را "مشتی اشرار و مختل شنندگان نظم در پارک ملت" خواند.

مردم در این تظاهرات با سردادن شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" خشم و انزجار خود را از قسر، کرانی، بیماری، سرکوب و ۰۰۰ در رژیم جمهوری اسلامی نشان دادند.

★★★

یورش مزدوران دولت به "کیان شهر"

خبرگزاری فرانسه از جنوب تهران گزارش داد که پاسداران به ۷۰۰ خانه آونشی در منطقه قنبر تشریس "کیان شهر" واقع در محاسیه تهران به شکل وحشیانه حمله کرده و تعدادی از ساکنین این منطقه را به اتهام "اعمال خلاف قانون" دستگیر ساختند. از چگونگی درگیری احتمالی در این منطقه خبری در دسترس نیست.

★★★

دستورکم سابقه درگیریهای رژیم با نیروهای محلی در

۱۷

بنو چستان

برای تماس با کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران میتوانید روزهای سانسب هر هفته از ساعت ۱۵ تا ۱۸ با شماره تلفن ۷۰۳۹۱۳ تماس بگیرید.
کد آلمان: ۰۰۴۹
کد هانوفر: ۰۵۱۱

آدرس تماس:

Postlagerkarte
Nr: 053249 C
3000 Hannover 1
W - Germany

شماره حساب بانکی
Solidaritaetsverein
mit iranischen Voelkern
Stadtparkasse Hannover
KTO: 501336
BLZ: 25050180
W - Germany

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی - زنده باد انقلاب